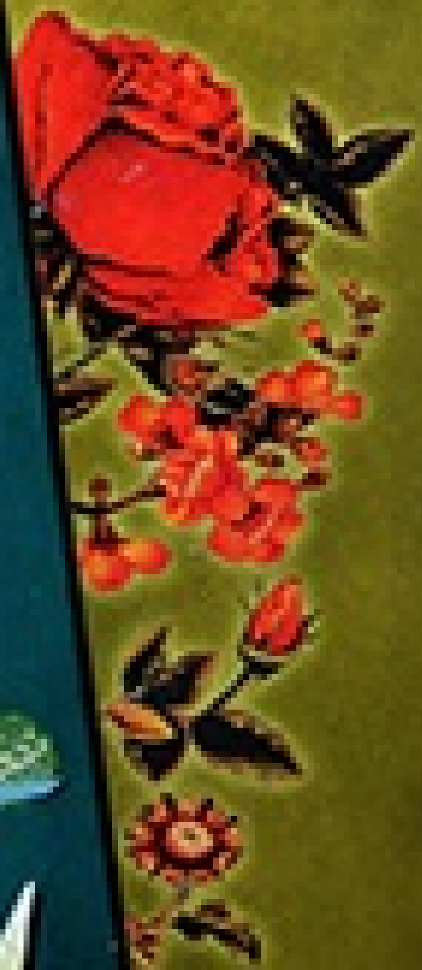
# امامت

اصول عقاید اسلامی ۴

محسن قرائتی



بسم الله الرحمن الرحیم

# امامت

نویسنده:

محسن قرائتی

ناشر چاپی:

مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

فهرست ---------- ۵

امامت ---------- ۸

مشخصات کتاب ---------- ۸

۱- امامت از اصول دین است ---------- ۸

۲- توحید و امامت، دو قلعه مستحکم الهی ---------- ۱۲

۳- نیاز به امام ---------- ۱۴

۴- نقش امام امامت و ولایت نیز پذیرش سنت پیامبر است. ---------- ۱۹

۵- الگو بودن امام ---------- ۲۰

۶- باز هم نقش امام ---------- ۲۲

۷- نقش الگوها در جامعه ---------- ۲۲

۸- نقش الگویی حاکمان ---------- ۲۴

۹- هدف امامت و رهبری ---------- ۲۷

۱۰- نشانه های امامت ---------- ۲۹

۱۱- انفاق در رکوع ---------- ۲۹

۱۲- ماجرای غدیر ---------- ۳۰

۱۳- چرا تلاش ها بی نتیجه ماند ---------- ۳۴

۱۴- احقاق حق یا تلاش و فریاد برای آنان که رسول خدا را اذیّت می کنند، عذابی دردناک است. ---------- ۳۶

۱۵- صفات امام ---------- ۳۷

۱۶- عصمت ---------- ۳۷

۱۷- سعه صدر ---------- ۳۹

۱۸- عدالت ---------- ۳۹

۱۹- دوری از هوی و هوس ---------- ۴۱

۲۰- فضلیت و سابقه نیک ---------- ۴۲

۲۱- حق گرایی و حق مداری ---------- ۴۳

۲۲- آگاهی از تاریخ گذشتگان ما پیامبران مأموریّت داریم طبق عقل و فهم مردم با آنان سخن بگوئیم. ۴۵
۲۳- دوری از امتیازطلبی ۴۷
۲۴- تجربه های تلخ ۴۸
۲۵- قضاوت مردم همه جا حق نیست ۵۴
۲۶- انتصاب الهی، راه حق ۵۹
۲۷- انتخاب، ممنوع ۵۹
۲۸- انتصاب، حکیمانه است ۶۱
۲۹- گوشه ای از فضائل حضرت علی و اهل بیت علیهم السلام ۶۳
۳۰- اطعام مسکین، یتیم و اسیر ۶۳
۳۱- جهاد در راه خدا ۶۴
۳۲- امام و نزول فرشتگان در شب قدر ۶۵
۳۳- حقوق امام و اُمّت ۶۷
۳۴- مسئولیّت اُمّت ۶۹
۳۵- گستره ظلم و حق کشی ۷۴
۳۶- همگامی شیعه و اهل سنت ۷۷
۳۷- رهبری های ممنوع ۷۸
۳۸- شیعه یا سنّی؟ ۸۱
۳۹- حدیث کساء ۸۲
۴۰- معرّفی روزانه ۸۲
۴۱- ماجرای غدیر ۸۵
۴۲- آیا پیام غدیر، دوستی علیّ علیه السلام بود؟ ۸۸
۴۳- اولی الامر دوازده نفرند ۹۰
۴۴- هدف ائمّه یکی است ۹۲
۴۵- جایگاه اهل بیت نزد پیامبر ۹۳
۴۶- گستره تربیت و هدایت اهل بیت ۹۷
۴۷- ائمّه و توجّه به خودسازی ۹۷

۴۸- امام مهدی علیه السلام ----- ۹۹

۴۹- انقلاب اسلامی، زمینه ساز ظهور ----- ۱۰۱

۵۰- دیدار امام در زمان غیبت ----- ۱۰۱

۵۱- وظیفه ما در زمان غیبت ----- ۱۰۳

درباره مرکز ----- ۱۱۱

# امامت

## مشخصات کتاب

سرشناسه : قرائتی، محسن، ۱۳۲۴ -

عنوان و نام پدیدآور : امامت/محسن قرائتی.

مشخصات نشر : [درسهایی از قرآن]، ۱۳۶۰.

مشخصات ظاهری : ۷۲ص.

فروست : درسهایی از قرآن؛ ۵.

شابک : ۵۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی : فهرست نویسی توصیفی

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

شماره کتابشناسی ملی : ۱۷۰۴۷۳۵

ص: ۱

## ۱- امامت از اصول دین است

اصول عقائد اسلامی (امامت) » امامت از اصول دین است

«امام» به معنای پیشوا و جمع آن «ائمّه» است. در حقیقت به آنچه از او پیروی می شود امام می گویند؛ خواه کتاب باشد یا انسان، حق باشد یا باطل.(۱)

اکنون که معنای امام روشن شد، برای اثبات این که امامت، یکی از اصول دین است، بهتر آن دانستیم که آیات و روایاتی را بیان کنیم و قضاوت را به عهده خوانندگان بگذاریم:

۱- خداوند در حجّه الوداع، پیامبر را مخاطب قرار داده و می فرماید:

«یا ایّها الرّسول بَلّغ ما اُنزل الیک من ربّک و اِن لم تفعل فما بلّغتَ رسالته و اللّه یعصمک من الناس و اللّه لا یهدی القوم الکافرین»(۲)

ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگات بر تو نازل شـده است به مردم برسان و اگر چنین نکنی، رسالت خدا را انجام نداده ای (و رسالت تو بی سرانجام است) و بدان که خداوند تو را از خطرات احتمالی حفظ می کند و خداوند کافران را هدایت نمی کند.

با توجّه به اینکه سوره مائده آخرین سوره ای است که در اواخر عمر شـریف پیامبر نازل شده و با توجه به اینکه مسائل مربوط به توحیـد و معاد، از همان ابتدای بعثت به مردم گفته شده و با توجه به اینکه دسـتوراتِ نماز، جهاد، روزه، خمس و زکات در سال های اول هجرت صادر شـده و اکنون سال دهم هجری است و با توجّه به اینکه پیامبر، انسان ترسوئی نبود که خداونـد این چنین سفارش کند وگرنه باید همان سال های اول بعثت

که تنهـا بود بترسـد نه سـال های آخر که ده ها هزار علاقه منـد دارد و با توجّه به اینکه نحوه ابلاغ (جمع کردن تمام کاروانیان در گرمای سوزان مکه) و محل و زمان این دسـتور نیز منحصر به فرد است، با توجه به همه این مسائل، معلوم می شود پیامی را که پیامبر باید برساند درباره موضوعی بسیار مهم است که پیامبرصلی الله علیه وآله از پیامدهای آن و کارشکنی منافقان هراس دارد و آن مسئله جانشینی رسول خدا

می باشد.

چنانکه عده بسـیار زیادی از اصحاب رسول خدا که مورد قبول همه مسلمانان هستند نیز این ماجرا را نقل کرده و گفته اند که آیه درباره ماجرای غدیر خم و مسـئله جانشـینی پیامبر است. برای آشنایی بیشتر می توانید به کتاب الغدیر(۳) و تفسیر نمونه(۴) مراجعه فرمائید.

۲- در روایات متعدد یکی از امور زیر بنایی و اساسی اسلام، امامت و ولایت معرفی شده است، چنانکه در کتاب وسائل الشیعه، ۳۹ حدیث(۵) و در کتاب مستدرک الوسائل، ۱۷ حدیث(۶) آمده که می فرماید: بنا و اساس اسلام بر چند موضوع استوار است و ولایت و رهبری را از اساسی ترین آنها می داند، از جمله:

امام باقرعلیه السلام می فرماید:

«بنی الاسلام علی خمسه اشیاء: علی الصلاه و الزکاه و الحج و الصوم و الولایه» بنای اسلام بر نماز، زکات، حج، روزه و ولایت استوار است.

زراره که از شاگردان بزرگوار امام بود، می پرسد: کدام یک از این امور مهم تر است؟ امام می فرماید: ولایت از همه مهم تر است و سپس چنین توضیح می فرماید:

«لأنّها مفتاحهنّ و الوالی هو الدلیل علیهنّ»(۷)

زیرا ولایت، کلید سایر مسائل است و والی نقش رهبری و هدایتِ مردم را به دیگر موارد دارد.

البتّه شکی نیست که مراد از «ولایت»، اطاعت از امام معصوم است، چنانکه در بعضی روایات به جای کلمه «ولایت»، اطاعت از امام آمده است.

علاوه بر اینکه هر یک از نماز و روزه و حج و زکات به خاطر نبود امکانات مالی و بدنی قابل تغییر است، اما مسئله ولایت و رهبری در هر حال ثابت و بدون تغییر است.

از همه گذشته پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله برای معرفی و نصب امام، مدت ها در بیابان غدیر خم برای تمرکز و اجتماع مردم صبر کرد و همین که همه مردم در مکان واحد جمع شدند مسئله رهبری معصوم را بیان فرمود و حال آنکه برای بیان دیگر زیربناها چنین نکرد.

امّا افسوس که مردم مسئله اصلی را رها کردند.

در ایام حج به هنگام طواف خانه خدا در حالی که به کعبه نگاه می کردم به این فکر فرو رفتم که خداوند این کعبه را شکافت و زایشگاه و گهواره علی علیه السلام قرار داد و او نیز سرانجام کعبه را از بت و بت پرستی پاک سازی کرد.

آنگاه نگاهی به طواف کنندگان بی ولایت کردم و گفتم: مردم مولود کعبه را رها کرده و به دور زایشگاه او می گردند.

۳- دلیل سومی که می توان برای اهمیّت امامت آورد حدیث معروفی از پیامبر است که می فرماید:

«مَن مات و لم یَعرف امام زمانه مات میته جاهلیّه»(۸)

هر که بمیرد و نسبت به امام زمان خود شناختی نداشته باشد، گویا قبل از ظهور اسلام و به مرگ جاهلیّت مرده است.

۴- امام باقرعلیه السلام می فرماید: «کلّ مَن دان اللّه بعباده یجهد فیها نفسه و لا امام له من اللّه فسعیه غیر مقبول و هو ضالّ متحیّر»(۱)

## ۲- توحید و امامت، دو قلعه مستحکم الهی

اصول عقائد اسلامی (امامت) » توحید و امامت، دو قلعه مستحکم الهی

هنگامی که امام رضاعلیه السلام در حال گذر از شهر نیشابور بود، علاقمندان گرد آن حضرت را گرفته و تقاضای حدیثی کردند. امام حدیث معروف سلسله الذهب را که از پدر خود و پدرش از پدرش تا پیامبرعلیهم السلام و او از جبرئیل و او از خدای متعال شنیده بود، این چنین بیان فرمود:

«کلمه لااله الّا اللّه حِصنی فمَن دَخل حِصنی أمن من عذابی»

هر که بدون پذیرش رهبر حقّ، خود را به زحمت انداخته و عبادتی انجام دهد، هرگز مورد قبول خدا نبوده و او در تحیّر و گمراهی است.

همان گونه که اگر کسی بدون ابلاغ و نمایندگی، اجناسی را برای اداره ای خریداری کند، هرگز از طرف مسئولین پذیرفته نخواهد شد.

آری در اسلام به مسئله انگیزه و هدف و رهبری و پیروی اصالت داده شده و اهمیّت فوق العاده دارد.

با نگاهی اجمالی به چهار دلیل فوق، می توان دریافت که رهبری در اسلام جزو اصول دین است نه فروع دین و اصل امامت از جایگاه ویژه ای برخوردار است؛

توحید که اولین اصل دین است، زمانی نمادین می شود که حاکم جامعه، امام معصوم باشد وگرنه به جای توحید، شرک و طاغوت سبز می شوند. نبوّت و شریعت زمانی پابرجا می ماند که رهبری معصوم آن را حفظ کند وگرنه با خرافات و تحریف و بدعت و سلیقه های شخصی آمیخته شده و وحی از اعتبار می افتد.

اصولاً جامعه بدون قانون و رهبر حقّ، مساوی با جنگل است و هر یک از قانون و رهبر مکمّل یکدیگر و جدایی ناپذیرند.

شناخت و توجه به معاد و آشنائی با مسائل ملکوتی آن، جز از طریق امام معصوم ممکن نیست.

امامت است که به نماز جان می دهد، به حج و روزه جهت می دهد، به جهاد مشروعیّت می دهد و فرائض الهی را احیا می کند. امام همانند کارخانه برق به همه لامپ ها نور و روشنایی می دهد.

آری مسئله رهبری و امامت و نقش آن در نظام جامعه اسلامی و حفظ و استقرار قانون جای هیچ گونه تردید و گفتگوئی نیست.

ص: ۳

---

۱- ۹) کافی، ج ۱، ص ۳۷۵.

توحید قلعه محکم من است که هر در آن وارد شود، از عذاب من ایمن خواهد بود.

آنگاه امام فرمود:

«بشروطها و أنا من شروطها»(۱)

توحید با شروطش قلعه الهی است و من یکی از آن شروط هستم.

امام رضاعلیه السلام در اینجا میان توحید و امامت رابطه شرط و مشروط بر قرار نمود، همان رابطه ای که میان نماز و وضو است. یعنی بدون امامت پای توحید می لنگد و مادامی که توحید مطرح است رهبری معصوم هم مطرح است، آن هم رهبری زنده و شاهد.

در این حدیث امام رضاعلیه السلام توحید را قلعه مستحکم الهی دانست و در حدیثی دیگر، پیامبر گرامی، ولایتِ علی علیه السلام را قلعه ایمن از عذاب شمرد و فرمود: خداوند متعال می فرماید:

«ولایه علیّ بن ابیطالب حصنی فمَن دخل حصنی أمن مِن عذابی»(۲)

## ۳- نیاز به امام

اصول عقائد اسلامی (امامت) » نیاز به امام

به همان دلایلی که نیاز به پیامبر داریم، نیاز به امام هم داریم و ما پیش از این در کتاب نبوّت، در این زمینه دلائلی را بیان کردیم و اینک آنها را مرور می کنیم:

* آیا می توان قبول کرد که هدف از آفرینش انسان رشد و کمال و در مسیر خدا قرار گرفتن باشد ولی در این میان هادی و راهنمایی در کار نباشد؟!

* آیا می توان قبول کرد که انسان عاشق رسیدن به مقام والای انسانی باشد ولی در خارج چنین الگویی وجود نداشته باشد؟!

مگر نه این است که برای هر نیاز و احساس درونی یک واقعیّت خارجی و بیرونی وجود دارد که آن احساس را اشباع کند. اگر ما در درون احساس تشنگی می کنیم و نیاز به آب داریم، برای رفع آن نیاز آبی در خارج از بدن وجود دارد. حال چگونه قبول کنیم که علاقه به کمال و رسیدن به قله

ولایت و پذیرش رهبری علی بن ابیطالب علیه السلام قلعه من است که هر که وارد آن شود، از عذاب من ایمن است

با توجّه به این دو روایت، توحید و ولایت دو قلعه محکم الهی هستند که در کنار هم و با هم مایه ایمنی از عذاب خدا می باشند.

۱- ۱۰) عیون الاخبار، ج ۲، ص ۱۳۵.

۲- ۱۱) بحارالانوار، ج ۳۹، ص ۲۴۶.

سعادت در انسان باشد، اما چیزی که پاسخ گوی این نیاز باشد در خارج از ذهن وجود نداشته باشد؟!

* چگونه می توان پذیرفت که میزبانی از مردم دعوت کند، ولی نشانی منزلش را ندهد و یا راهنمایی نفرستد، به خصوص در مواردی که بدون راهنما، راهیابی ممکن نیست و در مسیر مواردی وجود دارد که مهمان را به بیراهه و انحراف از منزل میزبان می کشاند. در اینجا بر میزبان لازم است تا راهنمایی با نام و نشانی روشن برای مهمان بفرستد تا هم راه را به او بنماید و هم با برخورد با موارد انحرافی، او را به مقصد

برساند.

* چگونه قبول کنیم که انسان در راه های ساده و محسوس زندگی نیاز به راهنما دارد، اما در پیمودن راه های سعادت و معنویّت و رسیدن به رشد واقعی که پیچیده تر و علم انسان در آن زمینه کمتر و وسوسه های شیطانی بیشتر است، نیاز به راهنما نداشته باشد.

* مگر نه آنست که حیواناتی که زندگی دسته جمعی دارند همچون زنبور عسل، برای خود ملکه ای را بطور غریزی پذیرفته اند.

در تاریخ سیاست ها و جنگ ها کدام موفقیّتی را سراغ دارید که نقش رهبر و فرمانده در آن نادیده گرفته شده باشد؟

جامعه بدون امام یعنی هرج و مرج و کدام عقل و وجدان آن را می پذیرد؟ حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«لابدّ للناس من امیر برٍّ کان او فاجرٍ»(۱۲)

وجود رهبر برای مردم ضروری است، خواه نیکوکار باشد یا بدکار.

علاوه بر موارد فوق که میان نیاز به پیامبر و امام مشترک است، در خصوص نیاز به امام، دلایل دیگری نیز وجود دارد:

۱- برای پیاده شدن دستورات الهی و حفظ احکام، قدرت و حکومت لازم است و قدرت و حکومت به امام و رهبری لایق نیاز دارد. مخصوصاً در موردی که دسترسی به پیامبر امکان نداشته و خاتمیّت حضرت محمدصلی الله علیه وآله را پذیرفته باشیم.

۲- مگر می شود خدا برای مردمی پیامبر بفرستد و آن پیامبر با خون دل احکام و قوانینی بیاورد و بعد همه را رها کرده از دنیا برود؟ آیا این کار حکیمانه است؟ آیا رها کردن و رفتن با آن حرص و سوزی که از پیامبر سراغ داریم سازگار است؟!

راستی کسانی که می گویند پیامبر با آنهمه زحمت مکتب و امتی را بنیان گذاری کرد و رفت چگونه جواب حکمت خدا و سوز پیامبر را می دهند. کدام مقام مسئول اینقدر بی تفاوت مردم را رها می کند؟!

۳- اساساً دین و مکتب یا بایـد هماهنگ با خواسـته های درونی و حوادث خارجی و به اصـطلاح رشـدآور و رشد دهنده و به روز باشـد و یـا بایـد فقـط قوانینی مقطعی و خشک باشـد که با مرور زمان به دست فراموشـی سپرده شـده و به اصـطلاح ایستا باشد؟

اگر در کنـار مکتب امامی با شـرائط ویژه بود، مکتب از نوع اول و گرنه از نوع دوم خواهـد بود و به همین دلیل امام رضاعلیه السلام می فرماید:

«اِنّ الامامه زمام الدین و نظام المسلمین و صلاح الدنیا و عزّ المؤمنین»

امامت و رهبری حقّ، زمام دین است و مایه نظام بخشیدن به مسلمانان و صلاح امور دنیوی و عزّت مؤمنین است.

«انّ الامامه اُسُّ الاسلام النامی»(۱۳)

امامت، اساس اسلام رشد یافته است.

یعنی چیزی که بتواند همه احتیاجات فردی و اجتماعی و مادی و معنوی کاروان بشریّت را تأمین کند، تنها امامت است.

امام رضا علیه السـلام با تعبیر «الاسـلام النامی» به ما می فهماند که اسلام بدون امام نمو و رشدی ندارد و در معرض کهنگی و زوال است.

جامعه انسانی هر آن در معرض حوادثی است که اگر حکم الهی و دسـتور خـدا با الهام از وحی و رهبری حق در کار نباشـد، مردم آرامش خود را از دست می دهنـد و هر کـدام راهی را می پیماینـد و هرج و مرج به وجود می آیـد. لذا در کنار مکتب، وجود امام و رهبر ضروری است.

۴- همان گونه که شـنا در اسـتخر نیاز به مربّی و ناجی دارد و گـذر از دریا نیاز به کشتی و ناخـدا، دنیا نیز چنانکه امام فرمود: دریای عمیق و پر تلاطم است، «الدنیا بحر عمیق»(۱۴) که به کشتی و کشتی بان نیاز دارد.

این با کدام منطق و حکمت سازگار است که خداوند، شناوران ناتوان و ناآشنا را در دریای پرخطر به حال خود رها کند!

۵ - همـان گـونه که خداونـد در کشـور تن فرمـانروایی به نـام عقـل قرار داده تـا به وسـیله آن چشم و گوش و تمـام اعضـا از انحراف و خطا حفظ شونـد، لازم است برای جامعه نیز امام و فرمانروایی قرار دهـد تا دچار تحیر و انحراف و هرج و مرج نشده و به مقصد برسد.

آیا قرآن کافی نیست؟

سؤال: با وجود قرآن وکتاب آسمانی، دیگر چه نیازی به امام است؟

پاسخ: قرآن، کتاب قانون است و قانون به مفسّر و مجری نیاز دارد. در نظام امروز جهان نیز در کنار قوّه مقنّنه، قوّه مجریه و قضائیه وجود دارد، زیرا قانون به مجری و ضمانت اجرا نیاز دارد.

این نیاز در زمان پیامبر به دست او و پس از پیامبر توسط امامان به انجام می رسد.

علاوه بر آنکه جزئیّات همه چیز مثلاً تعداد رکعات نماز یا تعداد شوطهای طواف در قرآن ذکر نشده است و بسیاری از مطالب جزیی و مقطعی در قرآن وجود ندارد و پیامبر در زمان خود و امامان هر کدام در زمان خود، آنها را برای مردم بیان می کنند.

خود قرآن می فرماید: به سراغ پیامبر بروید و دستورات خود را از او بگیرید.

«ما آتاکم الرّسول فخُذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا»(۱) آنچه را پیامبر بیان می کند، بگیرید و آن چه را نهی می کند، رها کنید.

این آیه دلیل آن است که پیروی از سنّت نبوی واجب است. زیرا پیروی از سنت پیامبر، پیروی از خداست. «مَن یطع الرسول فقد اطاع اللّه»(۲)

### ۴- نقش امام امامت و ولایت نیز پذیرش سنت پیامبر است.

اکنون به بررسی صفات و شرایط رهبر می پردازیم، ملاک و معیار انتخاب او را مورد گفتگو قرار دهیم و موارد عزل و نصب و راه شناخت رهبر حقّ از رهبر باطل را بازشناسی می کنیم.

اصول عقائد اسلامی (امامت) » نقش امام

قرآن در آیات متعدد و با تعبیرات مختلفی همچون «خلق لکم ما فی الارض جمعیاً»(۱۷) و «سخّر لکم اللیل والنهار والشمس والقمر»(۱۸)، هدف از آفرینش موجودات را نفع و بهره گیری انسان بیان می کند و انسان را گل سر سبد موجودات می داند. «فتبارک اللّه احسن الخالقین»(۱۹)

از سوی دیگر، هدف از آفرینش انسان را حرکت به سوی خدا و جهت خدایی دادن به کارها بیان می کند. «ما خلقت الجنّ و الانس الا لیعبدون»(۲۰)

---

۱- ۱۵) سوره حشر، آیه ۷.

۲- ۱۶) سوره نساء، آیه ۸۰.

در هر حرکت مادّی یا معنوی، چند چیز مطرح است:

۱- راه و مسیر.

۲- وسیله و ابزار.

۳- هدف و مقصد.

۴- رهبر و راهنما.

و در این میان نقش راهنما از همه مهم تر است، زیرا که اگر او نباشد هم راه را گم می کنیم و هم هدف را و هم وسیله ها بی جهت بکار می افتد. امام راهنمای جامعه در حرکت به سوی خداست.

## ۵- الگو بودن امام

اصول عقائد اسلامی (امامت) » الگو بودن امام

انسان برای رسیدن به کمال نیاز به الگو دارد و یکی از اصول تربیت، الگوسازی و استفاده از الگو می باشد. در واقع انسان اگر نمونه و مدلی نداشته باشد، سرگردان می شود.

امام، الگوی کاملی است که باید همه انسان ها سعی کنند مثل او شوند. امام مدل، نمونه و میزان است.

اگر الگوهای کامل و واقعی را پیش چشم خود مجسم نکنیم و به آنان عشق نورزیم، الگوهای کاذب و باطل با تبلیغات نابجا فراروی ما قرار خواهند گرفت و به آنان گرایش پیدا خواهیم نمود و ما را به سوی خود خواهند کشید.

قرآن، تنها آن قسمتی از داستان پیامبران را که می تواند برای دیگران الگو باشد بیان می کند. به نام همسر و تعداد فرزند و تاریخ تولد و وفات آنان کاری ندارد. یعنی هرگز قرآن قصد داستان سرایی ندارد بلکه هدفش الگو سازی است.

امام تنها راهنما نیست، بلکه امام است، تنها سرپرست نیست، بلکه امام است، یعنی کار و عبادت و خوردن و جنگیدن و سکوت و فریادش برای ما الگو و درس است.

امام به گفته ها و تئوری ها، عینیّت می بخشد.

امام طرح ذهنی اسلام را به حقیقت خارجی، تصوّر را به واقعیّت و خیال را به حقیقت تبدیل می کند و بیان می کند که اسلام تنها اسم بی مسمی نیست .

امام با آن صفات و افکار و اعمال همه جا و در همه وقت و برای همه افراد امام است، چنانکه ابراهیم علیه السلام اکنون نیز امام است.

چه جالب تعبیری است و چه نیکو مقامی است و چه زیبا لفظی است کلمه امام. این کلمه به قـدری بار و محتوا دارد که هرگز لغات دیگر از قبیل معلم، مرشـد، هادی، مبلغ، واعظ این همه معنا نـدارد، زیرا همه لغات دلالت بر آموزش و ارشاد می کنـد نه حرکت و پیشوایی، ولی امام یعنی کسی که خود می رود و عملاً پیشواست و دیگران از او پیروی می کنند.

ص: ۸

از بزرگ ترین راه های نفوذ استعمارگران ارائه الگوهای بد و دور کردن جوانان از امامان و الگوهای حقیقی است و شاید یکی از فلسفه های زیارت امامان نیز همین است که انسان هر گونه که هست، در برابر انسانی که باید باشد بایستد و فاصله ها و کمبودها را دریابد.

شاید یکی از فلسفه های عزاداری امام حسین علیه السلام نیز همین باشد که انسان بنشیند و صبر و پشتکار رهبران خود را در احیای مکتب و ایثار آنان را بشنود و با خود مقایسه کند و بداند که چگونه باید زندگی کند و بمیرد و چه راهی را باید انتخاب نماید.

## ۶- باز هم نقش امام

اصول عقائد اسلامی (امامت) » باز هم نقش امام

در زمانی که عمر خلیفه مسلمانان بود، جنگی میان مسلمانان و کفّار رخ داد و عمر می خواست شخصاً به جبهه رود. حضرت علی علیه السلام او را از این کار منع نمود و فرمود: اگر تو به جبهه بروی دشمن با خود می گوید که مسلمانان هر چه داشته با خود آورده اند و دیگر قدرت ذخیره ای ندارند چون شخص اول حکومت هم آمده است و بدین وسیله ترس و وحشتی که باید از ما داشته باشند نخواهند داشت.

## ۷- نقش الگوها در جامعه

اصول عقائد اسلامی (امامت) » نقش الگوها در جامعه

قرآن زنان پیامبر را مخاطب قرار داده و می فرماید:

«یا نساء النبیّ من یأت منکنّ بفاحشه مبیّنه یضاعف لها العذاب ضعفین»(۲۱)

هر کدام از شما مرتکب خلافی آشکارا شوید، دو برابر سایر زنان عذاب می شوید.

این به خاطر آن است که زن پیامبر عملاً الگو و مدل سایر مردم است و نقش رهبری را ایفا می کند.

در حدیث می خوانیم: «یُغفر للجاهل سبعون ذنباً قبل أن یغفر للعالم ذنب واحد»(۲۲) هفتاد گناه از جاهل بخشیده می شود قبل از آنکه یک گناه از عالم بخشیده شود.

آری انسان عالِم و دانشمند، در جامعه سرآمد و الگوی مردم است، لذا خطای او هم بزرگ به حساب می آید.

بزرگان گفته اند: گناه صغیره عالم و دانشمند، گناه کبیره به حساب می آید، زیرا عمل او در دیگران بیشتر اثرگذار است. اینکه می بینیم گناه بدعت گذار و کسانی که در جامعه پیشگام و برنامه ریز و پایه گذار انحراف هستند چند برابر سایرین است، به خاطر آن است که آنها نقش الگو و رهبری را دارند.

از امام هادی علیه السلام پرسیدند: چرا حضرت علی علیه السلام در جنگ جمل هر که را زخمی می شد رها می کرد، ولی در جنگ صفین فرمان داد زخمی ها را هم بکشند؟

امام هادی علیه السلام در پاسخ فرمود: در جنگ صفین رهبر مخالفان زنده بود و زخمی های فراری را دوباره جمع و کمبودها را جبران و ضعف ها را تقویت و بیماران را عیادت و دلجوئی می نمود و ریشه فساد در آب بود، (تا ریشه در آب است امید ثمری هست) و لذا برای خشکاندن ریشه فساد و پایان دادن به توطئه باید اثری باقی نگذارد، امّا در ماجرای جنگ جمل، پس از کشته شدن بزرگان دشمن مثل طلحه و زبیر و از هم پاشیده

شدن فرماندهی سپاه دشمن، امید و پناهگاهی برای فریب خوردگان فراری و زخمی ها نبود، لذا هر کدام زخمی می شدند یا پا به فرار می گذاشتند، مورد تعقیب قرار نمی گرفتند.(۱)

از این ماجرا به خوبی می توان نقش رهبر را در جبهه باطل و تفاوت عکس العمل ها را در جبهه حق دریافت.

انعکاس امامت در قیامت

در قرآن می خوانیم: «یوم نَدعوا کلّ اُناس بامامهم»(۲) روز قیامت هر گروه را در کنار رهبرشان فرا می خوانیم.

این آیه نقش امام را در هدایت یا گمراهی پیروان به خوبی روشن می کند. نقشی که بهشت وجهنم را برای پیروان رقم می زند.

در قیامت مستضعفان به رهبران فاسد خود می گویند: «لو لا أنتم لکنّا مؤمنین»(۳)

## ۸- نقش الگویی حاکمان

اصول عقائد اسلامی (امامت) » نقش الگویی حاکمان

خداوند در سوره توبه به مسلمانان فرمان می دهد که در میدان مبارزه و جهاد، رهبران و فرماندهان کفر و ریشه های آنان را هدف قرار دهید: «فقاتلوا ائمّه الکفر»(۲۶) پس با پیشوایان کفر نبرد کنید.

در سخنان پیشوایان معصوم نیز به این مهم توجّه شده است. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «النّاس بامرائهم أشبَه منهم بآبائهم»(۲۷) شباهت مردم به رهبرانشان، از تأثیر پذیری آنها از پدران و مادرانشان بیشتر است.

در روایتی دیگر می خوانیم: «النـاس علی دین ملوکهم»(۲۸) اگر شما نبودید و ما را به حال خود واگذار می کردید، ما طبق فطرت خود از مؤمنان بودیم.

۱- ۲۳) تحف العقول، ص ۵۰۸.

۲- ۲۴) سوره اسراء، آیه ۷۱.

۳- ۲۵) سوره سبأ، آیه ۳۱.

دین مردم بر طبق دین رهبران و حاکمان آنان است.

پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله فرمودند: «صِنفان من امّتی اذا صلحا صلحت امّتی و اذا فسدا فسدت امّتی» هر گاه دو دسته از امت من فاسد شوند همه فاسد می شوند و اگر صالح شوند در همه اثر گذاشته و همه صالح می شوند.

سؤال کردند آن دو دسته کیانند؟

پیامبر فرمودند: «الفقهاء و الاُمراء»(۲۹) دانشمندان و حاکمان.

حدیثی مهم

امام باقرعلیه السلام می فرماید: «قال اللّه تبارک و تعالی: لاعذّبنّ کلّ رعیّه فی الاسلام دانت بولایه کلّ امام جائر لیس من اللّه و اِن کانت الرعیه فی اعمالها بَرَّه تقیّه و لاعفونّ عن کلّ رعیّه فی الاسلام دانت بولایه کلّ امام عادل من اللّه و اِن کانت الرعیّه فی انفسها ظالمهً مسیئه»(۳۰)

خداوند می فرماید: هر جمعیّتی که رهبریِ فردی ستمگر را بپذیرند، مورد عذاب و غضب من هستند گرچه آنان خود باتقوا و نیکوکار باشند و هرگاه مردمی رهبری امام عادلی را بپذیرند مورد عفو و لطف من هستند گرچه آنان به خود ظلم کرده و دارای رفتار بدی باشند.

از این حدیث بسیار عالی، استفاده می شود که آنچه مهم تر از عمل است، پذیرش ولایت پیشوای عادل است. همان گونه که هرگاه راننده اتوبوس، فردی عاقل و با تجربه و سالم باشد این اتوبوس به منزل می رسد گرچه بعضی مسافران، پوست پرتقال و ته سیگار در ماشین ریخته و یا با لباس کثیف و کفش پاره در آن نشسته باشند.

اما هرگاه راننده و هدایت کننده اتوبوس، شخصی ناسالم یا مست یا کور باشد، سرنوشت مسافران نابودی است گرچه تمام مسافران بهترین لباس و کفش را پوشیده باشند. آری، آنچه در حرکت اصالت دارد رهبری و مسیر حرکت است نه قیافه و ژست و اعمال جزئی.(۳۱)

در قرآن آمده است: «و مَن اضلّ ممّن اتّبع هواه بغیر هُدیً من اللّه»(۳۲)

کیست گمراه تر از کسی که پیرو هوس خود باشد و هدایتی از طرف خدا او را هدایت نکند.

در حدیث ذیل آیه می خوانیم: هر که مکتب و دین خود را بر طبق سلیقه و رأی خود قرار دهد و از امام حقیقی اطاعت نکند، مشمول این آیه شده و گمراه ترین افراد است.(۱)

در حدیث دیگر می خوانیم: کسی که زیاد عبادت کند، ولی امام و رهبر حقی نداشته باشد، سعی و تلاش او مردود و در حقیقت گمراه است و خدا نیز دشمن عبادت و اعمال اوست. «واللّه شانی ء لاعماله»(۲)

## ۹- هدف امامت و رهبری

اصول عقائد اسلامی (امامت) » هدف امامت و رهبری

از نظر اسلام، دنیا و مال و مقام و قدرت و حکومت، همه وسیله اند نه هدف و لذا اولیای خدا هر گاه به قدرت و حکومت می رسند، هرگز از زندگی ساده خود دست برنمی دارند و در فکر بزرگ منشی و فخر فروشی و استکبار و فساد نیستند و تنها به تکلیف الهی فکر می کنند.

خداوند می فرماید:

«تلک الدار الآخره نجعلها للّذین لایریدون علوّاً فی الارض و لا فساداً»(۳۵)

سرای آخرت، با آن همه نعمت های بی پایان را مخصوص کسانی قرار می دهیم که در فکر بزرگی و فساد در زمین نباشند.

ابن عباس می گوید: خدمت حضرت علی علیه السلام رسیدم و امام مشغول وصله زدن کفش خود بود، در حالی که او امیرمؤمنان و حاکم بر جان و مال مسلمانان بود.

امام پرسید: قیمت این کفش چقدر است؟ گفتم: (این کفش پاره و وصله وصله) ارزشی ندارد. امام فرمود: «و اللّه لهی أحبّ الیّ من اِمرتکم الاّـ أن اُقیمَ حقّاً او أدفَعَ باطلاً»(۳۶) به خدا سوگند همین لنگ کفش نزد من بیش از حکومت بر شما ارزش دارد مگر آنکه حقی را به پا دارم یا باطلی را از بین ببرم.

آری امامت و رهبری برای اجرای دستورات الهی و رساندن مردم به کمال و نجات مردم از شرک و ظلم و جهل و تفرقه است، نه برای کسب قدرت و رسیدن به ثروت. بنابراین امامت در اسلام پست



---

۱- ۳۳) تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۵۶.

۲- ۳۴) کافی، ج ۱ ص ۱۸۳.

نیست بلکه مسئولیّت است، رفاه نیست که بار است و لذا شخص امام دارای زندگی عادّی است و با لباس و غذای بسیار ساده به سر می برد. همچون دیگران کار می کند و هیچ گونه مزایای فوق العاده ای برای خود نمی خواهد.

حضرت علی علیه السلام در نامه ای به ابن عباس چنین نوشتند:

«امّا بعد، فلا یکن حظّک فی ولایتک مالا تستفیده و لا غیظا تشتفیه ولکن اماته باطل و احیاء حقّ»(۳۷) در حکومت داری، نباید ثروت اندوزی کنی و حق نداری از قدرت خود سوء استفاده کنی و غیظ خود را نسبت به رقیب و مخالف اعمال نمائی بلکه هدف تو باید نابود کردن باطل و زنده کردن حق باشد.

حضرت علی علیه السلام پس از پذیرش حکومت، خطاب به مردم فرمود:

«دخلتُ بلادکم بأشمالی هذه و رحلتی و راحلتی ها هی فاِن أنا خرجتُ من بلادکم بغیر ما دخلتُ فانّنی من الخائنین»(۳۸) وارد شهر شما شدم با همین لباس های کهنه و با همین اثاثیه ساده و با همین مرکب و اگر دیدید پس از مدتی بغیر از وضع موجودم از شهر بیرون رفتم بدانید که در بیت المال خیانتی کرده ام.

در جای دیگر می فرماید:

«لولا حضور الحاضر و قیام الحجه بوجود الناصر و ما اخذ اللّه علی العلماء ألّا یُقارّوا علی کِظّهِ ظالم و لا سَغَبِ مظلوم لألقَیتُ حَبلَها علی غارِبها و لسقیتُ آخرها بکأس اوّلها و لألفیتُم دنیاکم هذه أزهَدَ عندی من عَفطَهِ عَنْز»(۳۹)

اگر اجتماع مردم به دور من و نیاز آنان به رهبری نبود و اگر به خاطر اعلام یاری مردم، حجّت بر من تمام نمی شد و اگر خداوند از علما پیمان نگرفته بود که بر پرخوری ستمگر و گرسنگی ستمدیده آرام نگیرند، من ریسمان و افسار حکومت را بر کوهان آن می انداختم و با همان ظرفی که درخت خلافت را اولین بار آب دادم (و در خانه نشستم) اکنون هم آب می دادم و خود به خوبی درک می کردید که این دنیای شما با مال و مقام و

حکومتش نزد من بی اعتبارتر از آبی است که به هنگام عطسه کردن از بینی بزغاله بیرون می آید.

آن حضرت در خطبه ۲۱۴ نیز می فرماید: خداوند بر گردن هر یک از من و شما حقی متقابل قرار داده و چنین نیست که تنها حاکم حق امر و نهی داشته باشد و از مقام و موقعیّت خود لذّت ببرد و فرمان بدهد.

بنابراین در اسلام، هدف از حکومت، کامیابی و لذّت جویی و رفاه طلبی حاکم نیست وگرنه نباید حضرت علی علیه السلام در زمان فرمانروایی اش، کفش وصله دار بپوشد و در سختی زندگی کند به شکلی که برای تأمین زندگی روزانه خود مجبور شود شمشیرش را بفروشد و بگوید:

«واللّه لو کـان عنـدی ثمن اِزار ما بِعتُه»(۱) به خـدا سوگنـد اگر به اندازه خرید لباسـی پول می داشـتم، هرگز شمشـیرم را نمی فروختم.

حضـرت رضا علیه السـلام در همان زمانی که ولایتعهـدی به او تحمیل شد روی حصـیر زندگی می کرد و با بردگان غذا میل می فرمود. حضرت سلیمان علیه السلام نیز با آن همه عظمت، همواره در کنار مستضعفان و با آنها مأنوس بود.(۲)

## ۱۰- نشانه های امامت

اصول عقائد اسلامی (امامت) » نشانه های امامت

از آنجا که مسـئله امامت و رهبری و هدایت امت از اساسی ترین مسائل اسلام و زندگی مسلمانان است، قرآن و پیامبر گرامی نشـانه هـایی برای شـناخت امام بیان فرموده انـد که برای هر انسانی راه را از چاه روشن می نمایـد و ما فشـرده ای از آنها را در اینجا بیان می کنیم:

## ۱۱- انفاق در رکوع

اصول عقائد اسلامی (امامت) » انفاق در رکوع

شخص فقیری وارد مسجد پیامبر شد و از مردم درخواست کمک کرد، اما کسی به او اعتنائی ننمود. فقیر با صدای بلند گفت: خدایا! تو شاهد باش که مردم چیزی به من ندادند و مرا محروم کردند.

حضـرت علی که در حـال رکوع نمـاز بود، به فقیر اشـاره ای کرد و همین که او جلو آمـد، حضـرت انگشـتر خود را به او عطا کرد. آیه نازل شد که همانا ولیّ شما خدا و پیامبر و آن کسی است که در حال رکوع انگشتر خود را به فقیر داد.(۴۲)

البتّه بیان جریان اهـدای انگشتر در قرآن، برای معرّفی آن شخصـی است که در کنار خدا و رسول حق سـرپرستی امت را دارد وگرنه انگشتر دادن در حال رکوع به تنهائی نمی تواند مقام امامت را ثابت کند. مقام امامت طبق معیارهای الهی برای حضرت علی علیه السلام ثابت است، ولی نشانه همه فهم برای معرفی او، این عمل است.

---

۱- ۴۰) بحارالانوار، ج ۳۴، ص ۳۵۰.

۲- ۴۱) الحیاه، ج ۲، ص ۲۳۳.

## ۱۲– ماجرای غدیر

اصول عقائد اسلامی (امامت) » ماجرای غدیر

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله مدت بیست و سه سال به رسالت مشغول بود که مجموع ایام رسالت آن حضرت، هشت هزار و سیصد و نود و پنج روز می شود. از جمله آیاتی که بر پیامبر نازل شد این آیه بود:

«الیوم یئس الّذین کفروا من دینکم» امروز کفار از شما مأیوس شدند.

«الیوم اکملتُ لکم دینکم» امروز دین شما را کامل کردم.

«و اتممت علیکم نعمتی» و امروز نعمت های خود را بر شما تمام کردم.

«و رضیت لکم الاسلام دیناً»(۴۳) امروز اسلام را برای شما به عنوان یک دین پذیرفتم.

حال به ایام رسالت آن حضرت بر می گردیم تا ببینیم کدام روز اوصاف فوق را دارا می باشد. آنچه مسلم است آن روز از روزهای عادّی نیست، بلکه یک روز بسیار حساس و مهمی است.

آن روز کدام است:

آیا روز اول بعثت است؟

هرگز، زیرا روز اول نه دین کامل شده و نه کفار مأیوس و نه....

آیا روز تبلیغ علنی است که پیامبر بعد از سه سال فعالیّت مخفیانه، به فرمان خدا مأمور شد دعوت خود را آشکار کند؟

هرگز، زیرا آن روز نیز اول کار است و هنوز تبلیغی نشده است.

آیا روز هجرت پیامبرصلی الله علیه وآله از مکه به مدینه یا روز تولّد فاطمه علیها السلام روز اعطای کوثر به پیامبر و یا روز پیروزی در جنگ بدر است؟

هرگز، زیرا سال ها بعد از هجرت و تولد فاطمه علیه السلام و جنگ بدر، آیات و دستوراتی نازل می شد بنابراین نمی توان آن روزها را روز کمال دین دانست.

آیا روز فتح مکه در سال هشتم هجرت است؟

هرگز، زیرا در فتح مکه، تنها کفار مکه مأیوس شدند نه همه کفار، علاوه بر آنکه از سال هشتم تا سال دهم که پیامبر رحلت فرمود، آیات دیگری نیز نازل شد و لذا نمی توان سال هشتم یا نهم را سال کمال دین و تمام نعمت دانست.

آیا ممکن است آن روز، روز عرفه ای باشد که پیامبر با مردم مشغول انجام مراسم حج بود؟

هرگز، زیرا انجام مراسم حج جزئی از دین است نه تمام دین و حال آنکه قرآن می فرماید امروز تمام دین شما کامل شد.

پس کدام روز است؟

ص: ۱۵

پس از بررسی روزهای مهم حیات پیامبر، خصوصاً روزهای آخر عمر شریف حضرت، به روز هجدهم ذی الحجّه که هشت روز بعد از عید قربان است برخورد می کنیم که پیامبر در سال آخر عمر خود هنگام برگشت از مراسم حج، به منطقه غدیر خم رسیدند که حاجیان در آنجا از هم جدا می شدند و اهل هر منطقه ای به سوی سرزمین خود (یمن، مدینه، عراق و حبشه) باز می گشت. در این هنگام دستور نصب حضرت علی به جانشینی پیامبر از سوی

خداوند نازل شد و پیامبر با تشریفات آن را ابلاغ کردند و آیه فوق نازل شد که:

۱- امروز کفار مأیوس شدند، زیرا تهمت های (شاعر، ساحر و مجنون) کفار نتوانست کاری کند و جنگ های بدر و خیبر و خندق هم به سود اسلام تمام شد. تنها روزنه امید کفار مرگ پیامبر بود و پیش خود می گفتند که پیامبر فرزند پسر ندارد و جانشین هم که تعیین نکرده، پس با مرگ او چراغ دین خاموش می شود.

اما همین که دیدند جانشینی همچون علی علیه السلام که از هر فرزندی لایق تر است منصوب شد، روزنه امید کفار بسته شد. آری آن روز کفار مأیوس شدند.

۲- امروز دین کامل شد، چون در کنار قانون، حاکم آمد. در کنار دستور، مجری نصب شد. در کنار طرح، الگو معرفی شد و برای ادامه حرکت ماشین اسلام راننده معین شد.

آری دین بی رهبر همچون داروی بی پزشک نمی تواند کامل باشد.

۳- امروز نعمت های الهی درباره شما مسلمانان به مرحله اتمام رسید. اگر تمام نعمت ها باشد منهای نعمت رهبری، کار ناقص است. چون رهبر است که با هدایت خود باعث می شود مردم نعمت های الهی را در مسیر واقعی خود قرار دهند.

۴- امروز که شما دارای قانون و حاکم هر دو شدید، اسلام با تمام ابعادش کامل ومن چنین مکتبی را برای شما می پسندم.

بحث ما درباره نحوه معرفی و بیان نشانه های امام است و دیدیم که قرآن چگونه با بیان لطیف و حکیمانه خود به این مهم می پردازد، در اینجا سخن را کوتاه و به سراغ تلاش های رسول اکرم می رویم که چگونه حضرت برای معرفی مقام رهبری تلاش می فرمود.

و خلیفه من خواهد بود. اولین کسی که اظهار ایمان کرد،

حضرت علی علیه السلام بود.(۴۵)

در ماجرای جنگ تبوک نیز علی علیه السلام را در مدینه جانشین خود قرار داد و فرمود: تو نسبت به من همچون هارون نسبت به موسی علیه السلام هستی.(۴۶)

گاهی برای معرفی رهبر پس از خود مردم را متوجه زهراعلیها السلام می کرد و می فرمود: «فاطمه بضعه منّی»(۴۷) فاطمه پاره تن من است. خشنودی و نارضایتی او را ملاک حقّ و باطل بیان می کرد و می فرمود: «یا فاطمه انّ اللّه یرضی لرضاک»(۴۸) فاطمه جان! رضایت خداوند از مردم، بستگی به رضایت تو دارد.

گاهی با تشبیهاتی جالب فتنه های آینده را بیان می کرد و راه را از چاه مشخص می کرد، نظیر تشبیه اهل بیت علیهم السلام به کشتی نوح که پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود:

«مثل اهل بیتی کسفینه نوح مَن رَکبها نجی»(۴۹) اهلبیت من همانند کشتی حضرت نوح هستند که هر که سوار آن شد، نجات پیدا کرد.

یعنی در گرداب حوادث، تنها کشتی نجات و ساحل امن، اهل بیت پیامبرعلیهم السلام می باشند و دیگر راهها سبب غرق شدن و هلاکت است.

گاهی با بیان فضائل حضرت علی علیه السلام، ضمن بیان لزوم مراجعه به امام معصوم، امام را معرفی می کردند، چنانکه «أنا مدینه العلم و علیّ بابها»(۵۰) من شهر علم هستم و علیّ درِ آن است.

گاهی به عمّار می فرمود: «یا عمار تقتلک الفئه الباغیه»(۵۱) ای عمار! گروهی باطل و ظالم، تو را می کشند.

این سخنِ پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله سالها بعد ضربه ای محکم به دشمنان اسلام زد، زیرا همین که عمار در جنگ صفین در رکاب حضرت علی علیه السلام به دست ارتش معاویه شهید شد، مردم سخن پیامبر را به یاد آوردند و قصد ترک جنگ و یاری معاویه را داشتند که معاویه با همفکری عمروعاص حیله ای اندیشید و با توجیه سخن پیامبر، دوباره مردم نادان را فریب داد.

گاهی ابوذر را ملاک قرار داده و می فرمود: زبان او صادق و بیان او حق است. یا می فرمود: آسمان بر سر کسی راستگوتر از ابوذر سایه نیفکنده است.(۵۲) یعنی ای مردم! در مسئله رهبری ببینید ابوذر از چه کسی طرفداری می کند.

پیامبر در معرفی جانشین خود، سعی و تلاش فراوانی کرد تا مسیر صحیح بعد از خود را به خوبی نشان دهد. حتی امامان پس از حضرت علی علیه السلام به مردم معرفی کرد تا مردم راه را گم نکنند.

در لحظه رحلت نیز دست از تلاش برنداشت و فرمود: قلم و کاغذی بیاورید تا مطلبی را بنویسم که پس از من گمراه نشوید. امّا متأسفانه همان کسانی که خود را کاندیدای مقام خلافت کرده بودند برای جلوگیری از این کار با کمال گستاخی فریاد زدند که «انّ الرّجل لیهجر»(۱) این مرد در اثر فشار بیماری، هزیان می گوید!!

پیامبری که خداوند درباره اش می فرماید:

«و ما یَنطق عن الهوی اِن هو الّا وحی یُوحی»(۲)

## ۱۳- چرا تلاش ها بی نتیجه ماند

اصول عقائد اسلامی (امامت) » چرا تلاش ها بی نتیجه ماند

سؤال: با آن همه سفارش های پیامبر و لیاقت هایی که در حضرت علی علیه السلام بود، چرا مردم مدت ها او را رها کردند؟

پاسخ: اولاً ـ مسئله نافرمانی و پشت پا زدن به فرمان خدا کار تازه ای نیست، مگر ابلیس گوش به فرمان خدا داد و برای آدم سجده کرد؟ مگر امّت موسی علیه السلام به خاطر اینکه چند روزی حضرت را ندیدند منحرف نشدند؟ این همه آیات قرآن ما را به ایمان و تقوی و عمل صالح و وفای به عهد و امانتداری دعوت کرده است، چرا اهل ایمان و تقوی و نیکوکاری کم است؟

ثانیاً در این ماجرا، کینه های دیرینه ای که نسبت به علی علیه السلام داشتند سبب شد که امام مورد استقبال مردم قرار نگیرد. بخصوص اینکه این مردم از خویشانِ کسانی بودندکه آن حضرت در جنگ های صدراسلام با مشرکان بدر واُحد وخیبر وحُنین، آنان را به درک واصل کرده بود.

ثالثاً آشنایی مردم با عدالت و دقّت عمل امام، مانع پذیرش او شد. عدّه ای که امام را می شناختند، از ابتدا با امام مخالفت کردند و عده ای ابتدا امام را پذیرفتند، ولی سرانجام پیمان شکستند. چنانکه این جریان درباره ناکثین و کسانی که بعد از قتل عثمان به امام گرویدند و سرانجام پیمان را شکسته و جنگ جمل را به پا کردند به خوبی به چشم می خورد. آنها از امام تقاضای حقوق و مزایای مالی و اجتماعی ویژه

داشتند ولی امام که در حفظ مال محرومان دقیق بود و به اصطلاح مو را از ماست می کشید حاضر نبود به تقاضای غیر عادلانه آنان گوش دهد.

آنها سرانجام از امام بریدند و به صفوف باطل گرویدند و یا از دشمنان سرسخت امام شدند. او هرگز از روی هوی و هوس حرف نمی زند، گفته های او همه وحی است.

۱- ۵۳) بحارالانوار، ج ۳۰، ص ۴۶۶.

۲- ۵۴) سوره نجم، آیات ۳ و ۴.

افراد سرشناس و خودخواه به امام پیشنهاد می کردند که در کارها با ما مشورت کن. حضرت می فرمود: هر کجا حکم و رضای خدا را ندانم با همه مشورت می کنم که قهراً شما هم جزء آن جمع خواهید بود.

آری امامی که اموال تاراج رفته را پس می گیرد قهراً افرادی ناراضی بر علیه او به پا می خیزند.

به هر حال آنان که به سفارشات پیامبر عمل نکردند و نصب الهی را نادیده گرفتند و خط رهبری را تغییر دادند و بدین وسیله مایه آزار و اذیّت پیامبر و اهل بیت او شدند، باید منتظر قهر و عذاب الهی باشند.

«و الّذین یؤذون رسول اللّه لهم عذاب الیم»(۱)

## ۱۴- احقاق حق یا تلاش و فریاد برای آنان که رسول خدا را اذیّت می کنند، عذابی دردناک است.

کدام اذیّت بالاتر از بی اعتنائی به توصیه ها و سفارشات پیامبر و کنار گذاردن جانشین آن بزرگوار است.

اصول عقائد اسلامی (امامت) » احقاق حق یا تلاش و فریاد

علاوه بر معرّفی شدن حضرت علی توسط رسول گرامی که بیان شد، خود امام نیز در موارد متعدی حقانیّت خود را اعلام می فرمود. مثلاً در جواب کسی که گفت چقدر برای حکومت حریص هستی فرمود:

«انّما طلبتُ حقّاً لی»(۵۶) همانا من حقّم را مطالبه می کنم.

در جای دیگر فرمود:

«أری تُراثی نَهباً»(۵۷) میراث خود را به غارت رفته می بینم.

و در جای دیگر فرمود:

«لقد علمتم أنّی أحقّ الناس بها من غیری»(۵۸) همانا شما به خوبی می دانید که من لایق ترین مردم نسبت به امر خلافت هستم.

همچنین می فرماید:

«انّ مَحلّی منها مَحلُّ القطب من الرّحی»(۵۹) همانا جایگاه من در حکومت و خلافت، جایگاه میل وسط سنگ آسیاست.

---

۱- ۵۵) سوره توبه، آیه ۶۱.

## ۱۵– صفات امام

اصول عقائد اسلامی (امامت) » صفات امام

برای آشنایی با صفات امام، به صورت گذرا و کوتاه صفاتی را بیان می کنیم. البتّه نیاز به یادآوری نیست که صفات امام همان صفات پیامبر است. اینک به برخی از آن صفات اشاره می کنیم.

## ۱۶– عصمت

اصول عقائد اسلامی (امامت) » عصمت

عصمت یعنی آنکه انسان نه تنها گناه نکند بلکه در فکر گناه هم نباشد. ما در برخی گناهان حالت عصمت داریم، زیرا تاکنون مرتکب آن نشده ایم و فکر آن را هم نکرده ایم؛ نظیر عریان به کوچه و بازار رفتن، خودکشی و یا کشتن دیگران.

همان گونه که ما در بسیاری گناهان به خاطر علم و آگاهی که به زشتی و پستی و بد عاقبتی آن داریم هرگز به فکر انجام آن نیستیم، امام هم به خاطر علم و یقینی که به ناپسندی همه گناهان چنین حالتی دارد، هرگز گرد آن نمی رود.

لزوم عصمت امام از خطا و نسیان نیز به جهت آن است که ما معمولاً در رفتار و منش خود دچار خطا و اشتباه می شویم، پس نیاز به یک امام معصوم داریم تا به او مراجعه کرده و حقیقت را بازشناسیم و او ما را حفظ کند. بنابراین او نباید خطا کار باشد.

سؤال: اگر امام معصوم است، پس سبب این همه گریه و زاری و توبه و انابه که از امامان نقل شده چیست؟

پاسخ: اگر در تاریکی شب، وارد یک انبار بزرگ شدید و در دست شما تنها یک چراغ قوّه بود، شما اشیای بزرگ را براحتی می بینید، اما چیزهای کوچک را به دلیل نور کم نمی بینید. حال اگر نورافکنی قوی در اختیار شما باشد، حتی چیزهای بسیار ریز روی زمین را می بینید.

کسانی که نور ایمانشان کم است، فقط گناهان بزرگ را می بینند و بسیاری از گناهان دیگر را نمی بینند و یا اهمیّتی به آن نمی دهند، امّا کسانی که دارای نور ایمان قوی هستند، چیزهای به ظاهر بی اهمیّت و ناچیز را هم می بینند.

گریه و انابه انبیا و امامان به خاطر آن بود که نور ایمانشان بسیار زیاد بود و خود را در محضر خدا می دیدند. لذا حتی امور عادی دنیوی که گناه نیست امّا مایه غفلت می شود، در نزد آنان گناه بوده و به خاطر آن گریه می کردند.

چنانکه اگر بنده در خانه سرفه کنم ، برای سرفه کردن از کسی عذرخواهی نمی کنم ، اما به هنگام ضبط برنامه تلویزیون و پشت تریبون، اگر یک سرفه کنم، فوراً معذرت خواهی می کنم. مگر با سرفه کردن مرتکب گناهی شده ام که عذرخواهی می کنم؟ خیر، بلکه چون مردم را حاضر و خود را

در محضـر مردم می بینم چنین می کنم. آری کسـی که خود را در محضـر خـدا بدانـد، از کارهـایی که گنـاه هم نیست، عـذر خواهی می کند.

### ۱۷- سعه صدر

اصول عقائد اسلامی (امامت) » سعه صدر

امام باید سـعه صدر داشـته باشد، زیرا زودرنجی و کم حوصلگی با اداره و رشد و هدایت جامعه سازگار نیست. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «آله الریاسه سعه الصدر»(۱) روح بزرگ، لازمه ریاست است.

هنگامی که خداوند حضـرت موسـی علیه السـلام را برای هدایت مردم برگزید، آن حضرت از خدا چند چیز درخواست نمود که اولین آنها سعه صدر و ظرفیّت داشتن بود: «ربّ اشرح لی صدری»(۲)

### ۱۸- عدالت

اصول عقائد اسلامی (امامت) » عدالت

عـدالت خواهی در فطرت همه انسان ها نهفته است و امام بایـد نمونه بارز آن باشد. ما در بخش عدالت اجتماعی کتاب عدل، نمونه های جالبی را پیرامون عدالت حضرت علی علیه السلام بیان کردیم و در اینجا به چند نمونه دیگر اشاره می کنیم.

۱- امام علیه السـلام طی نامه ای به یکی از فرمانـدهان خود چنین هشـدار داد: به خـدا سوگنـد، اگر اطلاع پیدا کنم که تو در بیت المـال، کم یـا زیـاد خیـانت کرده ای آنچنـان بر تو سـخت می گیرم که موهایت بریزد، کمرت خم شود و اعتبار اجتماعی خود را از دست بـدهی.(۶۲) خـدایا سـینه ای گشـاده و روحی بلنـد به من مرحمت فرمـا تـا بتوانم در برابر تمام حوادث بردبار باشم.

پیامبر اسـلام با شـرح صدری که داشت در روز فتح مکه که مسلمانان می خواستند از مشرکان انتقام آزار و شکنجه های آنان را بگیرند، فرمود: امروز، روز رحمت است نه انتقام.

امـام حسن علیه السـلام در برخورد بـا جسـارت های مرد شامی و شـنیدن آن همه فحش و ناسـزا، با گشاده رویی و بـدون کم ترین نـاراحتی به او فرمود: علّت نـاراحتی تو چیست؟ اگر نیازمنـدی، بی نیازت کنم و به قـدری به او لطف و مهربانی نمود که مرد شامی شرمنده شد و گفت: خدا بهتر می داند که چه کسی را رهبر مردم قرار دهد.

در تاریـخ و سـیره هریـک از امامان معصوم، سـعه صـدر آن بزرگواران در برخورد با معانـدان و مخالفان به چشم می خورد و حتی خود دشمنان به آن اعتراف نموده اند.

۱- ۶۰) نهج البلاغه، حکمت ۱۷۶.

۲- ۶۱) سوره طه، آیه ۲۵.

۲– به مالک اشتر چنین دستور می دهد که باید برای دورترین نقاط کشور، همان مقدار سهم باشد که برای نزدیک ترین آنها به مرکز حکومت است. «فان للاقصی منهم مثل الذی للادنی»(۱)

۳– درباره قصاص قاتل خود ابن ملجم فرمود: بعد از شهادتم جز او مزاحم دیگری نشوند و کس دیگری را نکشند.«لا یقتلنّ بی الاّ قاتلی»(۲) حتی فرمود همان گونه که او یک ضربت به من زده شما هم یک ضربت به او بزنید و دقت کنید که از مرز عدالت تجاوز نکنید.

۴– در ماجرای حدّی که به دست قنبر انجام شد، چون او سه شلاق بیشتر زد، امام علیه السلام با رعایت عدالت همان سه شلاق را به قنبر پس زد.(۳)

۵ – امام علیه السلام فرمودند: به خدا سوگند اگر اقلیم های هفتگانه را به من بدهند تا به مورچه ای ظلم کنم و پوست جوی را از دهان او بگیرم این کار را نخواهم کرد.(۴)

۶– به امام اطلاع دادند که زینت یک زن غیر مسلمان به ظلم از او گرفته شده و در جامعه اسلامی امنیّت او سلب شده است، آن حضرت به قدری ناراحت شدند که فرمودند: اگر مسلمان از این غصّه حادثه بمیرد جا دارد.(۵)

## ۱۹– دوری از هوی و هوس

اصول عقائد اسلامی (امامت) » دوری از هوی و هوس

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «هیهات ان یغلبنی هوای»(۶۸) چه دور است که هوسهای من بر من غالب شود و مرا از مسیر حق وعدالت دور کند.

امام صادق از حضرت علی علیه السلام نقل می کند که شرایط امامت چند چیز است، از جمله اینکه «لا یلهو بشی ء من امر الدنیا»(۶۹) مسائل مادی و دنیوی او را سرگرم و مشغول نکند.

---

۱– ۶۳) نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲– ۶۴) نهج البلاغه، نامه ۴۷.

۳– ۶۵) وسائل الشیعه، ج ۲۹، ص ۱۲۸.

۴– ۶۶) نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴.

۵– ۶۷) نهج البلاغه، خطبه ۲۷.

در حدیث دیگر می خوانیم: امام نباید ترسو باشد.(۱) بلکه باید مسئله مرگ و شهادت برای او حل شده باشد.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: به خدا خدا سوگند! به مرگ آن چنان علاقه ای دارم که طفل به پستان مادر ندارد.(۲)

## ۲۰- فضلیت و سابقه نیک

اصول عقائد اسلامی (امامت) » فضلیت و سابقه نیک

حضرت علی علیه السلام در نامه ای به معاویه می نویسد:

«متی کنتم یا معاویهُ ساسهَ الرّعیه و وُلاهَ امرِ الاُمّه بغیر قَدم سابق و لا شَرَف باسِق»(۷۴) ای معاویه! شما را به سیاست و زمامداری مردم چکار؟ تو که نه دارای سابقه خوبی هستی و نه شرف و فضیلت بلندی داری.

آری امام نباید کوچک ترین سابقه سوئی داشته باشد.

---

۱- ۷۲) بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۱۷۲.

۲- ۷۳) نهج البلاغه، خطبه ۵.

یکی از صفات امام، زهد و بی علاقگی به دنیاست.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «واللّه ما کانت لی فی الخلافه رغبه»(۷۷) به خدا سوگند! من میل و رغبتی به خلافت ندارم.

و درباره لباس وصله دار خود می فرماید:

«واللّه لقد رَقَّعتُ مدرعتی هذه حتی استَحیَیتُ من راقعها»(۷۸)

به خدا سوگند! آن قدر این لباس را وصله زده ام که دیگر از وصله زننده آن خجالت می کشم که به او مراجعه کنم.

در جای دیگر می فرماید:

«انّ اللّه فَرَض علی ائمه العدل ان یُقدّروا انفسهم بِضعَفَهِ الناس»(۱)

## ۲۱- حق گرایی و حق مداری

همانا خدا واجب کرده که امامان بر حق و عادل، زندگی خود را ساده بگیرند تا همگام با محرومان جامعه بوده و بدینوسیله تسکین و دلگرمی برای فقرا باشند.

اصول عقائد اسلامی (امامت) » حق گرایی و حق مداری

حضرت علی علیه السلام می فرماید: از هنگامی که حق به من معرفی شد تاکنون شک و تردیدی برای من پیدا نشده است. «ما شَککتُ فی الحق مذ اُریتُه»(۸۰)

و می فرماید: تاکنون نه خود گمراه شده ام و نه کسی به واسطه من گمراه شده است.«و لا ضَللتُ و لا ضُلَّ بی»(۸۱)

---

۱- ۷۹) نهج البلاغه، خطبه ۲۰۵.

حضـرت علی علیه السـلام می فرمایـد: «مَن نَصب نفسه للناس اماماً فلیبـدء بتعلیم نفسه قبل تعلیم غیره ولیکن تأدیبه بسـیرته قبل تأدیبه بلسانه»(۸۳)

کسـی که خود را امـام مردم قرار می دهـد بایـد از خود شـروع کنـد و روش تربیتی او عملی باشـد قبـل از آنکه از طریق زبان تربیت کند.

اصول عقائد اسلامی (امامت) » بی تکلّفی

خداونـد به حضـرت رسول صـلی الله علیه وآله می فرماید: به مردم بگو: «و ما أنا من المتكلّفين»(۸۴) من اهل تکلّف و مشقّت نیستم و تصنّع در کارم نیست.

نشانه تکلّف آن است که انسان حاضـر نیست دعوت افراد گمنام را بپـذیرد یا از کار خلاف خود عذرخواهی کند یا چیزی را که نمی داند با شهامت بگوید نمی دانم یا جایی که لازم است مشورت کند.

کسـی که اهل تکلّف است نسـبت به کوچک ترها ظالم و نسبت به بزرگ ترها شخصیّت زده است. امّا امام بی تکلّف ترین و متواضع ترین افراد است.

هنگامی که مردم برای اسـتقبال از حضـرت علی علیه السـلام به دنبال او می دویدند، حضرت آنان را منع کرد. همان گونه که پیامبر اجازه نمی داد مردم پیاده راه بروند در حالی که آن حضرت سواره هستند.

امام نیز بتواند مردم را زیر پوشش محبت خود به اسلام جذب کند.

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: «بعثتُ بمداراه الناس»(۱) من مبعوث شدم که با مردم مدارا کنم.

همچنین فرمود: «انّ اللّه امرنی بمداراه الناس کما امرنی باقامه الفرائض»(۲) خداوند به من امر کرده که با مردم مدارا کنم، همان گونه که امر نموده واجبات و نمازهای واجب را انجام دهم.

و در جای دیگر فرمودند:

«انّا معاشر الانبیاء اُمرنا ان نکلّم الناس علی قدر عقولهم»(۳)

## ۲۲- آگاهی از تاریخ گذشتگان ما پیامبران مأموریّت داریم طبق عقل و فهم مردم با آنان سخن بگوئیم.

اصول عقائد اسلامی (امامت) » آگاهی از تاریخ گذشتگان

حضرت علی علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام چنین می فرماید: فرزندم! گرچه من عمر پیشینیان را نکرده ام ولی در زندگی و روش و اعمال آنان فکر کرده و در اخبار و تاریخ و آثار آنان سیر کرده و چنان آگاهی دارم که گویا همچون یکی از آنان شده ام.(۸۹)

---

۱- ۸۶) نهج الفصاحه، حدیث ۱۰۹۳.

۲- ۸۷) نهج الفصاحه، حدیث ۶۷۷.

۳- ۸۸) کافی، ج ۱، ص ۲۳.

از بنی اسرائیل افرادی را برای هدایت مردم برگزیدیم که اهل صبر و پشتکار بودند و آیات خدا را باور و یقین داشتند.

یقین، سرچشمه عصمت و پشتوانه تمام کمالات معنوی است.

اصول عقائد اسلامی (امامت) » اخلاص و دوری از مادیّات

حضرت علی علیه السلام در نامه به فرماندار آذربایجان می نویسد:

«انّ عملك لیس لك بطعمه و لكنه فی عنقك امانه»(۹۲)

همانا مقام تو برای تو یك امانت و مسئولیّت است، نه وسیله كسب و كار و ارتزاق و رفاه.

قرآن یكی از امتیازات انبیا را بی توقّعی آنان دانسته كه پاداش زحمات خود را تنها از خدا می خواستند و هیچ انتظار مادّی از مردم نداشتند، چنانكه در سوره شعراء(۹۳) از قول حضرت نوح، هود، صالح، شعیب و لوطعلیهم السلام نقل می كند كه گفتند: «أن اجری الاّ علی ربّ العالمین» ما جز پروردگار خود از دیگران اجر و پاداشی نمی خواهیم.

## ۲۳- دوری از امتیازطلبی

اصول عقائد اسلامی (امامت) » دوری از امتیازطلبی

امام در حقوق اجتماعی خود را با دیگران برابر و یکسان می داند و امتیاز خاصـی را برای خود قائل نیست. حضـرت علی علیه السلام می فرماید:

«انّما أنا رجل منکم لی ما لکم و علیّ ما علیکم»(۹۶)

من یک نفر همانند شـما و از خودتان هسـتم، هرچه برای شماست، برای من هم هست و هر چه بر عهده شماست، بر عهده من هم هست. یعنی همه از حقوق مساوی برخورداریم.

اصول عقائد اسلامی (امامت) » حفظ منافع اسلام نه منافع خود

با آنکه حضـرت علی علیه السلام را از حق مسلم خود محروم کردند و او را از رهبری کنار زدند، امّا آن حضرت صبر کرده و می فرمود: اگر کار مسـلمانان به خوبی حل شود من حرفی ندارم و ظلم بر خودم را تحمّل می کنم.(۹۷) به خدا سوگند اگر به خاطر تفرقه نبود غیر از این روش، راه دیگری را انتخاب می کردم و با قیام مسلحانه حقم را می گرفتم.(۹۸)

ابن عباس به حضـرت علی علیه السـلام فرمود: در شورای شـش نفری عثمان شـرکت نکنید، زیرا برنامه چنین طراحی شده که شما را حـذف کنند. امام فرمود: چون دعوت شده ام می روم زیرا من از خلاف و تخلف بیزارم و میل ندارم جلسه به خاطر من منحل شود.

علاوه بر آنکه این توجّه به رأی اکثریّت، تنها در مسائل اجتماعی است و در مسائل اعتقادی، رأی اکثریّت هیچ ارزشی ندارد و گرنه باید پیامبران دست از دعوت خود برداشته و تابع رأی اکثریّت که کافر یا مشرک بودند می شدند. چنانکه در سوره انعام می خوانیم:

«و اِن تُطع اکثر مَن فی الارض یضلّوک عن سبیل اللّه اِن یتّبعون الاّ الظنّ و اِن هم الاّ یخرصون»(۱)

## ۲۴- تجربه های تلخ

اصول عقائد اسلامی (امامت) » تجربه های تلخ

بارها در انتخابات، افرادی با رأی اکثریّت انتخاب شده اند ولی دیر یا زود اشتباه مردم در انتخاب روشن شده است. افرادی چنان با ریا و تظاهر و سیاست گام بر می داشتند که احتمال خلاف در آنان نمی دادیم و علاوه بر رأی دادن حاضر بودیم جان خود را نیز فدا کنیم، ولی در حوادث مختلف که زمینه ساز روشن شدن حقایق و اسرار است، چهره واقعی آنان نمایان شد ودر مقابل مال و مقام روحیاتشان تغییر پیدا کرد.

راستی که انسان محدود با نداشتن علم غیب و اطلاع از آینده و باطن افراد چگونه می تواند نظر صد در صد صحیحی درباره شخصی داشته باشد؟!

مگر انگیزه ها و حالات و عملکرد انسان ها با توجّه به شرایط و موقعیّت های مختلف تغییر نمی کند؟ چه بسا افرادی که امروز مؤمن و متعهد هستند امّا فردا دست از ایمان و تعهد بر می دارند.

افراد بسیار زیادی را سراغ داریم که مایه امید بودند، عامل یأس و ناامیدی شدند و کسانی که احتمال خیری درباره آنان نبود، دگرگون شده و مایه صدها خیر و برکت گشتند. مگر ساحران مزدور فرعون برای آبروریزی موسی علیه السلام پا به صحنه نگذاشتند که ناگاه با بیداری وجدان و فطرت خفته آنان، از بهترین طرفداران موسی شدند و مگر بلعم باعورا مردی دانشمندی نبود که به خاطر دنیاگرایی و گرایش به طاغوت، همه

کمالات خود از دست داد. ای پیامبر! اگر از اکثر کسانی که روی زمین هستند اطاعت کنی تو را از راه خدا گمراه می کنند، زیرا آنها تنها از گمان و حدس پیروی می کنند.

بنابراین در مسئله بسیار حساس و اساسی امامت، که امری اعتقادی است، رأی و انتخاب مردم نقشی ندارد و تعیین آن به عهده خداوند است. البتّه بیعتِ مردم با امام، زمینه را برای اِعمال حاکمیتِ امام فراهم می کند، نه آنکه امام با رأی مردم امام می شود و با اِعراض مردم از امامت ساقط می شود.

حضرت علی علیه السلام در مدّت ۲۵ سال خانه نشینی نیز امام بود، امّا امکانِ اعمال حاکمینژت نداشت.

۱– ۹۹) سوره انعام، آیه ۱۱۵.

البتّه غرض مـا از بیان این نمونه ها کوبیـدن انتخابات و رأی مردم نیست، بلکه هـدف ما این است که بگوییم انتخابات بهترین راه حل در مسائل اجتماعی است، اما یک راه الهی و علمی و صد در صد قطعی نمی تواند باشد.

برای اینکه مطالب فوق بهتر روشن شود حدیث جالبی را از امام سجاد علیه السلام بیان می کنم، امام فرمودند:

«اذا رأیتم الرجل قد حسن سَمتُه و هَدیُه و تَماوَتَ فی مَنطقه و تَخاضَع فی حرکاته فَرویداً لا یغرّنّکم»

هرگـاه دیدیـد که مردی خـوش برخـورد است و راه و روش وی خـوب است و از خـود زهـد و عبـادت نشـان می دهـد و در حرکات خود خیلی شکسته نفسی می کند، پس در قضاوت نسبت به او عجله نکنید و فریب ظاهر او را نخورید.

سپس امام چنین بیان می فرماید:

«فما اکثر من یعجزه تناول الدّنیا و رکوبُ المحارم منها لِضَعف بنیته و مهانَته و جُبن قلبه فَنَصبَ الدّین فخّاً لها فهو لا یزال یَختِلُ الناسَ بظاهره فان تمکّن من حرام اقتَحَمه»

چه بسیارند افرادی که از بـدست آوردن دنیـا عاجزنـد و به دنیا نرسـیدن آنها به خاطر ناتوانی جسـمی یا عـدم لیاقت و کمبود شخصیّت یا ترس اوست (نه به خاطر ایمان و تقوی). آری چون ناتوان یا بی شخصیّت و یا ترسو است، دین را دام برای رسیدن به دنیـا قرار داده و دائماً مردم را بـا ظـاهر خود فریب می دهـد و اگر می توانست به حرام برسـد، بی اختیار خود را در آن می انداخت.

امام، چنین ادامه می دهد:

«و اذا وَجـدتموه یَعِفُّ عن المالِ الحَرام فَرویداً لا یَغرّنکم فانّ شَـهوات الخَلق مختلفه فما اکثَر من یَنبو عن المال الحَرام و ان کَثُر و یَحملُ نفسه علی شَوهاءَ قبیحه فیأتی منها مُحرِّماً»

و اگر دیدیـد که از مـال حرام دوری می کنـد بـاز هم صبر کنیـد و زود دربـاره او قضاوت نکنیـد، زیرا شـهوات مردم مختلف است. چه بسـیارند افرادی که از مال حرام کناره می گیرنـد گرچه زیاد باشد اما خود را بر اعمال ناپسـند وادار و مرتکب دیگر حرام ها می شوند.

سپس امام ادامه دادند:

«فاذا وجـدتموه یَعفُّ عن ذلک فرویـداً لا یغرنّکم حتی تَنظروا ما عقده عقله فما اکثر من ترک ذلک اجمع ثم لا یَرجع لا بعقلٍ متین فیکون ما یُفسده بجهله اکثر ممّا یُصلحه بعقله»

پس اگر دیدیـد او از تمام اعمال ناپسند دوری می کنـد، باز شـما را گول نزنـد تا ببینیـد میزان تعقّل او چه مقـدار است؟ زیرا بسـیارند افرادی که از تمـام اعمال بـد دوری می کننـد اما یک درایت و ریشه عقلائی ندارنـد و لـذا چون شـعور فکری او کم

است معمولاً بجای اصلاح دست به افساد می زند.

و آنگاه فرمودند:

ص: ۳۰

«فاذا وجدتم عقله مَتینا فرویداً لایَغرنّکم حتی تَنظروا أ مع هواه یکون علی عقله او یکون مع عقله علی هواه و کیف محبّته للرئاسات الباطله و زُهده فیها فانّ فی الناس مَن خسرالدنیا و الاخره بترک الدنیا للدنیا...»

و اگر دیدید دارای عقل متین هم هست باز فریب نخورید و صبر کنید تا ببینید آیا با هوای نفس خود عقل را می کوبد یا با کمک عقل بر علیه هوای نفس گام برمی دارد و نسبت به ریاست های باطل چقدر علاقمند است. زیرا در میان مردم کسانی هستند که در دنیا و آخرت زیان کارند. زیرا دنیا را رها می کنند نه برای خدا بلکه برای رسیدن به دنیا، زیرا لذّت ریاست نزد او به مراتب از لذّت مال و دنیا بیشتر است.

و سرانجام امام فرمودند:

«لکن الرجل کل الرجل نعم الرجل الذی جعل هواه تبعاً لامر اللّه و قواه مبذوله فی رضی اللّه یری الذل مع الحق اقرب الی عزّ الابد...»

انسان واقعی کسی است که خواسته هایش را تابع و مطیع فرمان الهی و توانش را در مسیر رضایت خداوند قرار دهد و ذلّت با حق را از عزّت با باطل به رستگاری و سعادت نزدیک تر بداند.

در پایان امام ضمن تشویق به پیروی از چنین شخصی می فرماید:

فذلکم الرجل فبه فتمسکوا و بسنته فاقتدوا و الی ربّکم به فتوسّلوا فانه لاترد له دعوه و لا یخیب له طلبه»(۱۰۰)

به رفتار و منش این شخص چنگ بزنید و به روش او اقتدا کنید و برای رشد و پرورش خود و رسیدن به خداوند به او متوسل شوید چرا که دعا و درخواستش مستجاب شده و رد نمی شود.

نتیجه این حدیث طولانی این است که با این همه راه های فریب و ریاکاری، چگونه می توان با یک سری شناخت های سطحی سرنوشت رهبری امت را با انتخابات معین نمود.

آری، انتخابات می تواند راه حل باشد اما همه جا راه حق نیست.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«اذا کان لک صدیق فولیّ ولایه فاصبته علی العشر مما کان لک علیه قبل ولایته فلیس بصدیق سوء»(۱۰۱)

هرگاه دوستی داشتی که به ریاستی رسید و یک دهم علاقه و وفاداری قبل از ریاستش را نسبت به تو داشت دوست بدی نیست.

پست و مقام و ریاست انسان را عوض می کند، چه بسیار افراد فداکار و علاقمندی که پس از گرفتن مقام، روحیه و روش آنان عوض شده است. به همین جهت می گوئیم تعیین رهبر باید

از طرف خدا باشد، اوست که علم غیب دارد و آینده و تمام حالات افراد را می داند و بهتر می داند که مقام رسالت و پیام رسانی خود را نزد چه شخصی قرار دهد. «اللّه اعلم حیث یجعل رسالته»(۱)

## ۲۵- قضاوت مردم همه جا حق نیست

اصول عقائد اسلامی (امامت) » قضاوت مردم همه جا حق نیست

امام باقر علیه السلام به جابر فرمودند:

«واعلم بانک لاتکون لنا ولیاً حتی لواجتمع علیک اهل مصرک وقالوا انک رجل سوء لم یحزنک ذلک ولو قالوا انک رجل صالح لم یسرک ذلک ولکن اعرض نفسک علی کتاب اللّه»(۱۰۳)

ای جابر! تو ولی ما نمی شوی مگر زمانی که اگر تمام مردم شهر درباره تو بگویند فلانی مرد بدی است ناراحت نشوی، و اگر هم گفتند مرد خوبی است شاد نشوی، بلکه برای شناخت خود، خود را به کتاب خدا عرضه نمائی.

از این حدیث هم به خوبی استفاده می شود که همه جا رأی و قضاوت مردم دلیل بر حقانیّت یا باطل بودن نیست.

در قرآن می خوانیم که مردم می گفتند چرا قرآن بر مرد سرشناسی از دو قریه مکه و طائف نازل نشد؟

«وقالوا لولا نزل هذا القران علی رجل من القریتین عظیم»(۱۰۴)

آنها خیال می کردند همین که فلان شخص، سرشناس و معروف یا سرمایه دار و باغ دار است باید وحی هم به او نازل شود!!

همین که طالوت از طرف خدا فرمانده لشکر شد، بسیاری از مردم فرماندهی او را فقط به خاطر فقر و تهیدستی او نپذیرفتند.(۱۰۵)

مگرنه این است که پیامبر صلی الله علیه وآله مشغول خواندن خطبه نماز جمعه بود که صدای طبل کاروان تجاری بلند شد و ناگاه همه مردم از پای خطبه رسول خدا بلند شدند و به سوی مال التجاره رفتند و مشغول خرید شدند و جز چند نفر نزد حضرت باقی نماندند.

تا کنون مشخص شد که مسئله امامت از اساسی ترین مسائل اعتقادی و عامل هدایت و رشد جامعه است و طبق روایات متعدد، عبادت بدون داشتن رهبر حق مورد قبول نیست گرچه انسان در طول عمر، سخت ترین نوع عبادت را انجام دهد.(۱۰۶)



---

۱- ۱۰۲) سوره انعام، آیه ۱۲۴.

همچنین مشخص شد که جامعه نیاز به رهبر دارد. زیرا سقوط و یا رشد یک جامعه بستگی به رهبری آن دارد و دانستیم که راه های اغفال و وسوسه و تهدید و تطمیع باز است و افرادی خود را به دروغ به نام رهبر و امام جازده و گروه هایی را به نیستی کشانده و بدبخت کرده اند.

در اینجا بجاست شیوه تعیین رهبر و راه شناخت امام حق و امام باطل را از قرآن و حدیث فراگیریم.

اصول عقائد اسلامی (امامت) » تعیین امام تنها از طرف خداست

بعد از آنکه خداوند حضرت ابراهیم علیه السلام را با حوادثی از قبیل گذشت از مال و جان و همسر و ...آزمایش نمود و او از عهده تمام امتحانات الهی پیروز درآمد، خداوند او را به مقام امامت و رهبری نصب فرمود. متن فرمان و ابلاغ چنین بود:

«انّی جاعلک للناس اماماً»(۱۰۷)

من تو را برای مردم، امام قرار دادم.

در این ابلاغ از جمله «انّی جاعلک» استفاده می شود که نصب امام باید تنها از طرف خدا باشد. زیرا امام باید دارای شرائط و ویژگی هایی باشد که جز خدا کسی واقف به آنها نیست از جمله:

امام باید تمام قوانین حاکم بر انسان و هستی را بداند.

امام باید از نتیجه حتمی راهی که انتخاب می کند آگاه باشد.

امام باید در رهبری خود منافع خود را در نظر نگیرد و عوامل درونی و بیرونی محرک او نباشد.

امام باید از عالی ترین صفات برجسته انسانی در حد اعلی برخوردار باشد و ناگفته پیداست که این شرائط در افراد معمولی یافت نمی شود و مردم نیز از وجود این شرائط در افراد بی خبرند.

بـا آنان مشورت کن. توجه داریـد که مورد مشورت در هر دو آیه، امور مربوط به مردم و مسائل اجتماعی است و هر گز شامل مسئله امامت که

عهد و پیمان خداست نمی شود.

آیهالله شـهید صـدر با بیان چنـد مقـدمه نتیجه می گیرند که تعیین امام تنها باید از راه انتصاب و از طریق خدا و رسول باشد و اینک مقدمات:

یک. پیامبر صـلی الله علیه وآله عهـده دار دگرگونی همه جانبه وانقلاب بزرگ عقیدتی و فکری و تبدیل یک سیسـتم جاهلی به یک نظام اسلامی انسانی آن هم برای ابد بود.

دو. دوران بیست و سه سال رسالت آنهم با وضـعی که مسـلمان ها داشتند، در مکه در خفقان فشار و ترس و در مدینه متحمل انواع مشـکلات و جنگ ها و توطئه های دشمنان بودند که این مدّت بیست و سه سال با آن همه گرفتاری برای آن دگرگونی کم است.

سه. پیامبرصـلی الله علیه وآله ناگهـان از دنیـا نرفت تـا بگوئیم زمـانی برای بررسـی مسـئله رهـبری امت و ادامه کـار نـداشت و فرصتی برای تعیین جانشین خود پیدا نکرد.

کوتاه سـخن آنکه ۲۳ سـال برای آن دگرگونی کم است و بایـد بعـد از پیـامبر کار ادامه یابـد و برای تـداوم کار چنـد طرح و نظریه است که باید مورد بررسی قرار دهیم.

۱- پیامبر صـلی الله علیه وآله نسبت به جانشـینی خود بی تفاوت بود و بدون اینکه به فکر تداوم انقلاب و هدایت مردم باشد، آنان را رها کرد و از دنیا رحلت نمود.

این نظریه قابل قبول نیست زیرا:

یـک انسـان عـادّی هرگز حاضـر نیست طرح و برنامه ای را که برای آن زحمت بسـیار کشـیده، رها کنـد و آن را به شخصـی نسـپارد. آنهم با سوز و گدازی که قرآن برای حضـرت محمد صلی الله علیه وآله بیان می کند در جهت ارشاد و هدایت مردم، آنجا که می گوید: «حریص علیکم»(۱۰۹) پیامبر صلی الله علیه وآله برای شما می سوزد و برای هدایت شما حرص می زند.

و در جـای دیگر می فرمایـد: «لعلّـک باخع نفسک»(۱۱۰) گویـا تو از نـاراحتی اینکه چرا مردم ایمـان نمی آورنـد خود را می کشی.

آیا پیامبری که این چنین نسبت به هدایت مردم، تعهّد و عشق دارد حاضر است مردم را به حال خود رها کند؟

پیـامبری که در سـفر به جنـگ تبوک که هشـتاد روز طول کشـید کسـی را در مـدینه به جای گـذاشت، آیا برای پس از خود

فکری نمی کند؟!

آیا ابوبکر حاضر شد مردم را رها کند و آنان را به عمر نسپارد؟

آیا می توان قبول کرد که ابوبکر برای بعد از خود به فکر مسلمانان بود اما حضرت محمد صلی الله علیه وآله نبود؟!

ص: ۳۴

۲- نظریه دوم آن است که بگوئیم پیامبر از دنیا رفت و رهبری امت را به شوری و انتخاب خود مردم واگذار نمود.

امّا اگر چنین بود، چرا ابوبکر مثل پیامبر، امت را به شوری واگذار نکرد و شخصاً دخالت نمود و عمر را نصب کرد؟!!

چرا عمر نیز در رهبری امت همه پرسی نکرد؟! بلکه خود شورائی تشکیل داد مرکب از شش نفر، آنهم شورائی که عملاً دیکتاتوری بود، زیرا گفته بود در این شورا کسی رهبر است که عبدالرحمن بن عوف به او توجّه داشته باشد؟

این چه شورائی است که یک نفر در آن حق وتو داشته باشد و نظر آن دسته قابل قبول باشد که این یک نفر در میان آنها باشد؟ آیا این شوراست یا دیکتاتوری؟!

با توجّه به این نظریه دوم، ماجرای غدیر خم برای چیست؟

۳- اکنون که نظریه اول و دوم رد شد، تنها یک راه باقی می ماند و آن این که خود پیامبر که از همه دلسوزتر است، شخص لایقی را که در شناخت و عمل به مکتب و اداره و رشد جامعه از همه افراد بهتر می داند و دارای هرگونه صلاحیّت علمی و فکری است و سابقه ای درخشان دارد برای رهبری امت انتخاب و منصوب کرده و به مردم معرفی کند که پیامبر نیز چنین کرد و در غدیر خم، حضرت علی را به جانشینی خود منصوب نمود.

آری، انتخابات مردمی ارزشـمند است، امّا عوارضـی را نیز به دنبال دارد که بایـد به آنها توجّه داشت و این عوارض را هم در نظر گرفت.

## ۲۶- انتصاب الهی، راه حق

اصول عقائد اسلامی (امامت) » انتصاب الهی، راه حق

راه حق در شـیوه تعیین امـام همـان راه تعیین پیـامبر است، زیرا ما امامت را همچون نبوّت و امام را همچون پیامبر و دلیل نیاز به امام را هماننـد دلیل نیاز به پیامبر می دانیم و کار امام نیز شبیه کار پیامبر هـدایت و رشـد مردم و نشان دادن راه سـعادت است، بنابراین همان آیه ای که در بحث نبوّت آوردیم در این جا نیز مورد استفاده قرار می دهیم که قرآن می فرماید:

«اِنّ علینا لَلهُدی»۱۱۱(۱) همانا بر ماست هدایت مردم.

همان گونه که پیامبر از طرف خداست و آیاتی در قرآن به این حقیقت اشاره می کند،۱۱۲) اگر آیاتی که در آن واژه و لغت (اصطفاء، بعثت، جعل، اختیار) بکار رفته مورد بررسی قرار گیرد، بیان ما به خوبی روشن می شود.

## ۲۷- انتخاب، ممنوع

اصول عقائد اسلامی (امامت) » انتخاب، ممنوع

اگر باور کردیم که امامت مقامی انتصابی است نه انتخابی، بنابراین در مقابل انتصاب الهی مردم اختیاری ندارند.

قرآن می فرماید:

«و مـا کـان لمومن و لامومنه اذا قضـی اللّه و رسوله أمراً أن یکون لهم الخیره من أمرهم...»(۱۱۳) در مواردی که خداوند برای مرد و زن با ایمان حکم و قانونی یا مقام و فردی را برای مسئولیّتی انتخاب نمود، دیگر مردم حق انتخاب ندارند.

در سوره قصـص نیز چنین می خوانیم: تعیین امام هم که مربوط  به هـدایت مردم و از پیمان های الهی است باید از طرف خدا باشد.

سخن بوعلی سینا

ابوعلی سینا می گویـد: امام بایـد معصوم و از حد اعلای صـفات عالی برخوردار باشد و چون متصف بودن یک انسان به آن صفات و روحیات چیزی نیست که انسان عادی بتوانـد آن را تشـخیص دهد و اگر چیزی بفهمد خیلی ناقص است و تنها از راه علائم و آثار چیزی را می فهمـد، لـذا بایـد خداوند عالم و مدبّر و قادر، امام را تعیین کند. زیرا اوست که هم از اسـرار مردم با خبر است و هم عالم به غیب است و هم راه سعادت واقعی ما را

می داند و هم تدبیر جهان به دست اوست.

ص: ۳۶

---

۱- ) سوره لیل، آیه ۱۳.

«و ربّك يخلق مايشاء و يختار ما كان لهم الخيره»(۱)

## ۲۸- انتصاب، حکیمانه است

اصول عقائد اسلامی (امامت) » انتصاب، حکیمانه است

انتصاب حضرت علی علیه السلام به عنوان امام و رهبر، انتصابی بی مقدمه و غیر حکیمانه نبود، بلکه مقام او، زهد و شجاعت و ادب و اخلاق و عبادت وتقوی و عرفان و خلوص او بر همگان روشن بود. حتی دشمنان نیز نقطه ضعفی برای حضرت علی علیه السلام بیان نکرده اند.

کسی که در تمام عمر یک لحظه به سوی بت رو نکرد و از همان نوجوانی خداپرست بود.

کسی که در توطئه شب هجرت که دشمنان بنای کشتن پیامبرصلی الله علیه وآله را داشتند با جانفشانی بی نظیر خود، به جای آن حضرت خوابید و پیامبر صلی الله علیه وآله موفق به هجرت شد.

کسی که اعلامیه ممنوع شدن بت پرستان از شرکت در مراسم حج را که همان آیات اول سوره برائت است، به تنهایی و با کمال شهامت به میان مشرکان به مکه برد و با فریاد بلند در برابر بت پرستان خواند و اعلام کرد که از این به بعد حق ورود به مکه را ندارند.

صفات والای او در کتب شیعه و سنّی، دوستان و دشمنان و حتی غیر مسلمانان آن قدر زیاد است که می توان گفت: محاسن و کمالات او بی حدّ و بی شمار است.

پرسش و پاسخ

سؤال: هدف شما در این بخش این بود که تعیین امام باید از طرف خدا باشد و انتخابات به دلیل عدم آگاهی از اسرار و آینده و محدودیّت علمی و به دلیل تجربه های ناموفق، نمی تواند ارزش مهمی داشته باشد. در اینجا سؤالی مطرح است که پس چرا خود امام علی علیه السلام در نهج البلاغه رأی مردم را به رخ مخالف می کشد و می فرماید: بعد از قتل عثمان مردم دور مرا گرفته و مرا انتخاب کردند؟ یا چرا در نظام جمهوری

اسلامی رأی گیری از مردم ملاک انتخاب است؟

خداوند می آفریند و اختیار می کند هرچه را بخواهد و مردم در برابر گزینش خداوند، اختیاری ندارند.

در روایاتی ذیل این آیه در تفسیر صافی می خوانیم که هرگاه خداوند کسی را به امامت برگزید مردم نباید به سراغ دیگری بروند و یا می خوانیم: با وجود امکان انحراف در انتخاب، ارزش انتخاب از بین می رود و انتخابی می تواند صددرصد ارزش داشته باشد که از سوی خدایی باشد که آگاه بر باطن و آینده انسان است.

---

۱- ۱۱۴) سوره قصص، آیه ۶۷.

پاسخ: حضرت علی علیه السلام می خواهد طبق معیار مخالفانش سخن بگوید، یعنی شما که اینقدر از مردم و رأی و انتخاب آنان دم می زنید، همان مردم مرا پذیرفتند، پس چرا در برابر من می ایستید؟

در نظام جمهوری اسلامی ایران هم چون مردم راه حق را شناختند و رهبری امام را بر طاغوت و نظام اسلامی را بر نظام شاهنشاهی ترجیح دادند ما نیز انتخاب نیکو را به رخ دنیا می کشیم تا مورد تهمت قرار نگیریم و نگویند که سیستم شما یک سیستم تحمیلی است، اما اگر منتخب مردم به بیراهه رفت، مردم در مقابل او می ایستند و او را از جایگاهش خلع می کنند، چنانکه امام خمینی قدس سره بنیان گذار جمهوری اسلامی

ایران به رئیس جمهور معزول که به هواداری مردم افتخار می کرد فرمود: اگر با روش غیر اسلامی به کار خود ادامه دهی من با تو مخالفت می کنم گرچه همه مردم با تو باشند.

بنابراین انتخابات و همه پرسی ها زمانی مورد افتخار است که مسیر حق را طی کند وگرنه رأی و انتخاب مردم تا به حقیقت متصل نشود و از طریق وحی و راه خدا نورانی نشود، ارزش الهی نخواهد داشت.

البتّه ما نمی خواهیم ارزش انتخابات را به کلّی نادیده بگیریم، بلکه شعار ما این است که انتخابات همه جا راه حق را نمی پیماید و دلیل عقلی و صددرصد صحیحی ندارد. علاوه بر آنکه انتخابِ مردم در برابر انتخابِ خدا ارزشی ندارد و در جایی که از سوی خدا، کسی برای این امر معین نشده باشد، بهترین راه، رأی گیری از مردم و دخالت دادن نظر آنان در انتخاب حاکم است.

## ۲۹- گوشه ای از فضائل حضرت علی و اهل بیت علیهم السلام

اصول عقائد اسلامی (امامت) » گوشه ای از فضائل حضرت علی و اهل بیت علیهم السلام

فضائل حضرت علی علیه السلام و اهل بیت پیامبر علیهم السلام بسیار است و ما چند نمونه را برای گام های اول شناخت امام نقل می کنیم:

## ۳۰- اطعام مسکین، یتیم و اسیر

اصول عقائد اسلامی (امامت) » اطعام مسکین، یتیم و اسیر

امام حسن و امام حسین علیهما السلام بیمار شدند. حضرت علی علیه السلام و فاطمه زهراعلیها السلام برای شفای آن دو نذر کردند که سه روز روزه بگیرند. در اولین روز، همین که

خواستند افطار کنند، شخص فقیر و مسکینی در خانه را کوبید و اعلام کرد که من نیازمندم، آنان نان خود را به او داده و با آب افطار نمودند، روز دوم نیز همین که خواستند افطار کنند، یتیمی اظهار نیاز کرد، باز غذای خود را به او عطا کردند

و با آب افطار کردند. روز سوم نیز همین که لحظه افطار رسید، شخصی آمد و گفت من اسیر هستم به من کمک کنید، با اینکه نیاز شدیدی به غذا داشتند باز هم غذا را به او دادند. روز بعد که با رنگ های پریده خدمت پیامبرصلی الله علیه وآله رسیدند، بشارت یافتند که آیاتی در فضیلت آن بزرگواران نازل شده که آنان غذای خود را خالصانه و عاشقانه به مسکین و یتیم و اسیر دادند و از همه مهم تر آنکه در دل نیز انتظار پاداش

و تشکری نداشتند، آنها نمی خواستند از اعمال خود سندی برای آینده خود درست کنند، هدف آنان جز رضای خدا نبود:

«و یطعمون الطعام علی حبّه مسکینا و یتیماً و اسیراً انّما نطعمکم لوجه اللّه لانُرید منکم جزاءً و لاشکوراً»(۱)

این ماجرا علاوه بر اینکه مورد اتفاق علمای شیعه است، مرحوم علامه امینی قدس سره در کتاب الغدیر از بیست و چهار نفر از بزرگان اهل سنت نیز نقل کرده است.(۲)

## ۳۱- جهاد در راه خدا

اصول عقائد اسلامی (امامت) » جهاد در راه خدا

دو نفر از بزرگان مکّه به نام شیبه و عباس بر سر افتخارات و فضیلت های خود بحث و مجادله می کردند. یکی می گفت: من کلیددار مسجدالحرام هستم، پس برترم و عباس عموی پیامبر می گفت: من مسئول آبرسانی به حجّاج و زائران خانه خدا هستم، پس برتر از تو هستم.

حضرت علی علیه السلام از آنجا عبور می کرد و سخنان آنان را شنید، با شرم و حیا فرمود: من با این سن و سال کم، فضیلت و افتخاری دارم که شما بزرگان ندارید! من بودم که با دشمنان به جهاد پرداختم تا شما به خدا و پیامبر او ایمان آوردید.

این سخن حضرت بر آنان گران آمد و خدمت پیامبر رسیدند پیامبر، در این هنگام آیه ای نازل شد:

«أ جَعلتم سقایه الحاج و عماره المسجد الحرام کمَن آمن باللّه والیوم الآخر و جاهد فی سبیل اللّه»(۱۱۷) آیا آب دادن به زائران خانه خدا و کلید داری مسجدالحرام مثل ایمان به خدا و معاد و جهاد در راه خداست؟!

یعنی مقیاس فضیلت، ایمان و جهاد است.



---

۱- ۱۱۵) سوره انسان، آیه ۸ و ۹.

۲- ۱۱۶) الغدیر، ج ۳، ص ۱۱۱.

پس از آنکه دشمنان با توطئه ای حساب شده تصمیم گرفتند با چهل مرد از قبیله های مختلف شبانه بر پیامبر هجوم برده و حضرت را در بستر خواب ترور کنند تا کسی نتواند خونخواه آن حضرت باشد، فرمان هجرت از سوی خداوند متعال نازل شد و قرار شد پیامبر شبانه مکه را به سوی مدینه ترک گوید.

حضرت علی علیه السلام تصمیم گرفت با جانفشانی و از خودگذشتگی در بستر پیامبر بخوابد تا با این تاکتیک، پیامبر جان به سلامت برد و خود نیز پس از انجام اموری که پیامبر به عهده او گذارده به آن حضرت ملحق شود.

حضرت علی علیه السلام آن شب پرخطر در جای رسول خداصلی الله علیه وآله خوابید. خداوند به دو فرشته بزرگ خود جبرئیل و میکائیل فرمود: من عمر یکی از شما را طولانی قرار دادم، کدام یک حاضرید ایثار کنید و زندگی دیگری را بر خود مقدم دارید؟ هیچ کدام حاضر به این امر نشدند، به آنها وحی شد که مشاهده کنید که چگونه علی علیه السلام آماده شد که جان خود را فدای رسول خدا صلی الله علیه وآله کند.(۱)

نام آن شب تاریخی لیلهالمبیت است و در باره آن این آیه نازل شد:

«ومن الناس مَن یَشری نَفسه ابتغاء مرضات اللّه واللّه رؤوف بالعباد»(۲)

## ۳۲- امام و نزول فرشتگان در شب قدر

اصول عقائد اسلامی (امامت) » امام و نزول فرشتگان در شب قدر

از مضمون روایتی در ذیل سوره قدر استفاده می شود که فرود فرشتگان در شب قدر تنها مربوط به زمان پیامبر نیست، بلکه مربوط به هر سال است. «تنزّل الملائکه و الرّوح فیها بإذن ربّهم من کلّ أمر»

شکی نیست در زمان رسول خداصلی الله علیه وآله ملائکه بر شخص پیامبر نازل می شدند، اما بعد از آن حضرت بر چه کسی نازل می شوند؟

طبیعی است باید بر کسی نازل شوند که در کمالات نزدیک ترین فرد به خدا و رسول او باشد.(۱۲۰)

بعضی مردمان جان خود را برای جلب خشنودی خدا می فروشند و خداوند نسبت به بندگانش مهربان است.

حضرت علی علیه السلام به پاس اینکه موفق شد در آن شب به جای پیامبرصلی الله علیه وآله بخوابد و رسول گرامی به سلامت از خانه ای که در محاصره مخالفان بود خارج و به مدینه هجرت کند، اولین سجده شکر را در اسلام انجام داد.



---

۱- ۱۱۸) الغدیر، ج ۲، ص ۵۳ و تفسیرنمونه، ج ۷، ص ۳۲۲.

۲- ۱۱۹) سوره بقره، آیه ۲۰۷.

با توجه به این روایت، هم جایگاه والای امامت و هم لزوم امام زنده و معصوم در هر زمانی که مرجع فرشتگان آسمانی باشد، مشخص می شود که این نیز فضیلتی بس بزرگ است.

اصول عقائد اسلامی (امامت) » گوشه ای دیگر از فضائل علی علیه السلام

حضرت علی علیه السلام اول کسی بود که به رسول خدا صلی الله علیه وآله ایمان آورد.(۱۲۱)

بارها پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله ، حضرت علی علیه السلام را برادر خود خواند.(۱۲۲)

یک ضربت حضرت علی علیه السلام در جنگ خندق از عبادت تمام جن و ملک و انسان با ارزش تر تلقی شد.(۱۲۳)

در روایات متعدد می خوانیم که علی علیه السلام بهترین بشر پس از پیامبر است و او هرگز نه از حق جدا می شود و نه از قرآن و او سیّد و بزرگ دنیا و آخرت است و نگاه به او عبادت و پیروان او بهترین خلق خدایند.(۱۲۴)

ص: ۴۱

و علیّ بابها»(۱)

## ۳۳- حقوق امام و اُمّت

اصول عقائد اسلامی (امامت) » حقوق امام و اُمّت

در زمینه حقوق متقابل امام و امت روایاتی آمده است که ما چند نمونه آن را در اینجا بیان می کنیم:

* حضرت علی علیه السلام به مردم فرمود: هر یک از من و شما بر یکدیگر حقوقی داریم، اما حق من بر شما این است که شما:

۱- به پیمان و بیعت خود وفادار باشید. «الوفاء بالبیعه»

۲- در حضور و غیاب من (در نزد من حاضر باشید یا نباشید) نصیحت کننده و خیرخواه باشید. «والنصیحه فی المشهد والمغیب»

۳- هر وقت شما را فراخواندم اجابت کنید. «والاجابه حین ادعوکم»(۱۲۶)

و اما حق شما بر من آن است که من:

۱- خیرخواه و دلسوز شما باشم. «فالنصیحه لکم»

۲- بیت المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم. «توفیر فیئکم علیکم»

۳- شما را آموزش دهم تا بی سواد نباشید. «تعلیمکم کیلا تجهلوا»

همچنین آن حضرت به مردم می فرمود:

«و لکم علیّ من الحقّ مثل الّذی لی علیکم»(۱۲۷)

شما بر من حق دارید به همان اندازه که من بر شما حق دارم. گفتند: «علی» در اینجا به معنای بلند است که معنای حدیث این گونه می شود: من شهر علم هستم و دَر این شهر، بلند است!

براستی بغض و کینه چه کارها که نمی کند! در صحرای کربلا در آن بیابان سوزان آب را بروی حسین و یاران و کودکانش می بندند و با نهایت بی رحمی برای کشتن او شمشیر می کشند و در جواب امام حسین علیه السلام که می فرماید: مگر من حلالی را حرام کرده و یا حرامی را حلال کرده ام که خون مرا می ریزید، در پاسخ می گویند: «بغضا لابیک» اینها همه به خاطر بغض و دشمنی نسبت به پدر تو می باشد!

۱- ۱۲۵) بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۱۹.

و می فرمود: بزرگ ترین حقّی که خدا بر مردم واجب نموده همان حقوق متقابل والی بر مردم و مردم بر والی است.

* امام سجاد علیه السلام در اول رساله حقوق، حق امام را از واجب ترین حقوق معرفی می نماید:

«و اوجبها علیک حقّ ائمتک»(۱)

* حضرت علی علیه السلام می فرمود: آن گونه که با طاغوتیان و جباران سخن می گوئید با من سخن نگوئید و محافظه کاری هم نکنید و مداهنه نکنید. فکر نکنید که تذکرات شما برای من سنگین است، هر کجا گفته حق یا مشورت بجایی دیدید مرا آگاه نمائید، اگر خداوند خود حفظ نکند ما مصون از خطا نیستیم.(۲)

* امام صادق علیه السلام مردم را به مراجعه به فقها سفارش می کرد و می فرمود: کسی که فتوی و قضاوت فقها را رد کند، گویا ما را رد کرده و هر که ما را رد کند، گویا به خدا شرک ورزیده است.(۳)

* در روایتی دیگر می خوانیم: اگر شخصی شب ها را نماز بخواند و روزها را روزه بگیرد و تمام اموالش را در راه خدا بدهد و هر سال به مکه و حج رود، امّا ولی خدا را نشناسد و کارهای خود را به رهبری او قرار ندهد، هیچ حقی بر خدا ندارد و اهل ایمان نیست.(۴)

## ۳۴- مسئولیّت اُمّت

اصول عقائد اسلامی (امامت) » مسئولیّت اُمّت

بر اساس روایات مردم در برابر امام معصوم سه مسئولیّت دارند:

۱- شناخت امام، آنهم با دلائل روشن و صفات ممتاز که یک رهبر معصوم باید داشته باشد. «معرفه الامام»

۲- تسلیم فرمان آن بزرگواران به طوری که سخنان آنان را به دل بپذیرد. «و التسلیم لهم فیما ورد علیهم»

۳- در اختلافات به آن بزرگواران مراجعه و آنان را حَکم و داور قرار دهند. «و الرّد علیهم فیما اختلفوا»(۱۳۲)



---

۱- ۱۲۸) تحف العقول، ص ۲۵۵.

۲- ۱۲۹) نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶.

۳- ۱۳۰) کافی، ج ۱، ص ۶۷.

۴- ۱۳۱) صافی، ج ۲، ص ۱۸.

امام باقر علیه السلام نگاهی به مردم کرد که دور کعبه طواف می کردند و فرمود: این گردش دور کعبه در زمان جاهلیّت هم بود و اسلام آمد و طواف و حج را مقرر داشت تا بدین وسیله در کنار حج به سوی ما بیایند و اعلام ولایت و مودّت و نصرت نمایند. سپس امام با استناد به آیه «فاجعل افئده من الناس تَهوی الیهم»(۱۳۳) فرمود: حضرت ابراهیم علیه السلام از خدا نخواست که دل های مردم به کعبه تمایل پیدا کند، بلکه

تمایل مردم را به ذریه خود از خداوند درخواست نمود.(۱۳۴)

آری توجّه به امام یکی از فلسفه های حج است.

اصول عقائد اسلامی (امامت) » آثار پیروی از امام

وفا کردن به تعهّدات طرفین (امام و امت) آثاری دارد که حضرت علی علیه السلام آن آثار را چنین توصیف می فرماید:

۱- شکل گرفتن علاقه ها و تشکّل نیروها. «نظاماً لأُلفتهم»

۲- نفوذ ناپذیری و مصونیّت مکتب از هرگونه خطر تحریف و بدعت و التقاط. «و عزّاً لدینهم»

۳- تضعیف باطل و استحکام پایگاه حق. «و عزّ الحق بینهم»

۴- راه های دین روشن و جلوه می کند. «و قامت مناهجُ الدین»

۵ - استوانه های عدالت مستقر می گردد. «و اعتدلت معالم العدل»

۶- کارها در مجاری خود قرار می گیرد. «و جرت علی اذلالها السُنن»

۷- راهی برای نفوذ دشمن و بهانه بدخواهان باقی نمی ماند. «و طُمِع فی بقاء الدوله و یئستْ مَطامع الاعداء»(۱۳۵)

ص: ۴۴

آری میان ادّعا و عمل فاصله زیاد است. البتّه آن یار فداکار در تنور نسوخت (همچون ابراهیم که در میان آتش نسوخت).

اصول عقائد اسلامی (امامت) » یاران دروغین

در حدیث می خوانیم: دروغ می گوید کسی که ادّعا می کند من شیعه علی علیه السلام هستم ولی در عمل به ریسمان دیگران چنگ می زند: «کذب مَن زعم انّه من شیعتنا و هو متمسّک بعروه غیرنا»(۱۳۷)

امام صادق علیه السلام می فرماید: اگر بنی امیه کسانی را پیدا نمی کردند که به دستگاه آنان بروند و برای آنها بنویسند و غنائم را جمع آوری و برای آنها جنگ کنند و در گروه آنان جمع شوند، آنها حق ما را از ما نمی گرفتند.(۱۳۸)

آری تضعیف امامت به خاطر ضعف علاقمندان بی اراده است، آنان که قلباً با امامان معصوم هستند، ولی به خاطر ترس یا طمع، مزدور بیگانگان قرار می گیرند.

با انواع دروغ ها و افتراها، به امام انواع تهمت ها زدند و کار را به جائی رساندند که هنگامی که مردم شام شنیدند حضرت علی علیه السلام در مسجد کوفه ترور شد، گفتند: علی در مسجد چه می کرد، مگر او اهل نماز بود!!

ظلم فکری

با شعار «حَسبُنا کتاب اللّه» قرآن ما را بس است، جلو نشر احادیث و کلمات رسول خدا صلی الله علیه وآله را گرفتند و مهر برلب امام معصوم زدند و مردم را از منابع اصلی علم بازداشتند.

دروغ سازی

کارخانه جعل حدیث به راه انداختند و آن قدر حدیث دروغ در مدح بنی امیه و کوبیدن بنی هاشم و مسائل دیگر جعل کردند تا راه را برای شناخت حق و باطل برای گروهی مشکل نمودند.

تحریف و توجیه

بیانات صریح و روشنی که پیامبر درباره مسئله امامت بیان فرموده بود، تحریف و توجیه نموده و با تغییر مسیر رهبری، کار را به جایی رساندند که خلافتِ پیامبر تا سرحد حکومت یزید سقوط کرد.

ظلم فرهنگی

من نمی دانم چرا شخصیّت مشهور اهل سنت که معاصر امام کاظم علیه السلام بود، حتی یک حدیث از آن حضرت نقل نکرده است؟! آیا امام علیه السلام را نباید همانند یک راوی عادی به حساب آورد؟

چگونه است که در کتاب بسیار مهم صحیح بخاری از برخی خوارج حدیث نقل شده است، امّا از امام جعفر صادق علیه السلام و امامان معصوم پس از او حدیثی نیامده است؟!

جاهل به جای عالم

به جای رهبری که فریاد می زد «سلونی» هر چه می خواهید سؤال کنید که جواب دهم، سراغ رهبری رفتند که فریاد می زد «اقیلونی» مرا رها کنید که اطلاعاتی ندارم.

به جای علی علیه السلام، درگاه علم پیامبر صلی الله علیه وآله، سراغ کسی رفتند که بارها در مسائل گوناگون متحیر و از حضرت علی علیه السلام کمک می گرفت و بارها می گفت: اگر علی به فریادم نمی رسید و مرا از بن بست ها بیرون نمی آورد، هلاکت من حتمی بود.

بهانه ها و کینه ها

به بهانه اینکه علی علیه السلام جوان است، شوخ است، مسلمانان از او کینه های دیرینه در جنگ خیبر و بدر و احد و حنین دارند، امام معصوم را خانه نشین کردند تا جایی که امام فرمود: من از روز اول مظلوم بودم.(۱۳۹)

ص: ۴۶

با اینکه برای هیچ یک از اصحاب پیامبر صلی الله علیه وآله به اندازه حضرت علی علیه السلام فضائل نقل نشده است او را کنار زدند.

براستی مگر جوان بودن عیب است.

مگر حضرت ابراهیم علیه السلام که بتان را شکست جوان نبود؟ «فتی یذکرهم یقال له ابراهیم»(۱)

مگر قرآن در باره اصحاب کهف نمی فرماید: «انّهم فتیه آمنوا بربهم»(۲)

## ۳۵- گستره ظلم و حق کشی

اصول عقائد اسلامی (امامت) » گستره ظلم و حق کشی

ظلم به امامان معصوم علیهم السلام از لحظه رحلت پیامبر صلی الله علیه وآله آغاز شد. آنگاه که حضرت تقاضای قلم و کاغذ کرد و به او توهین نمودند و این مظلومیّت همچنان تا پایان عمر حضرت علی علیه السلام ادامه پیدا کرد تا جایی که آن حضرت به هنگام ضربت خوردن فریاد زد: «فزت و ربّ الکعبه»(۱۴۲) به پروردگار کعبه رها شده و رستگار شدم.

مقام علی علیه السلام تا الآن هم ناشناخته مانده و او هنوز مظلوم است. کتاب نهج البلاغه او هنوز شناخته نشده و آن حضرت در طول تاریخ مظلوم مانده است.

ظلم به امامان، هم از خارج و بیرون منزل بود و گاهی هم از درون خانه از ناحیه همسران نااهل. آنان جوانانی بودند که به پروردگار خویش ایمان آوردند.

مگر حضرت یوسف جوان نبود و مگر مصعب اولین مبلغ پیامبر جوان نبود.

مگر پیامبر صلی الله علیه وآله جوان هیجده ساله ای به نام اُسامه را به مقام فرماندهی نصب نکرد و در باره او نفرمود: «لعن اللّه من تخلّف عن جیش اسامه» خداوند هرکس را که از لشگر اسامه سرپیچی کند، لعنت کند.

مگر کهولت سن شرط رهبری است؟!

مگر امامت، کیلویی و متری است؟!

مگر قرآن معیار ارزشها را علم، تقوی، جهاد، هجرت، سابقه، اخلاص و ایمان قرار نداده است؟ چرا در برابر آن ملاک های الهی مسائل دیگری را مطرح کردند؟

موضوع دیگری را که بهانه کردند، شوخ بودن حضرت علی علیه السلام بود. براستی مگر شوخ بودن مانع لیاقت است؟ امامت، علم و بینش و عصمت می خواهد. لذا امامان ما هم سنشان با هم متفاوت است و هم شیوه برخوردشان و هم

مسئولیّتشان ، همان گونه که انبیا نیز دارای شرائط متفاوتی بودند.

ص: ۴۷

---

۱- ۱۴۰) سوره انبیاء، آیه ۶۰.

۲- ۱۴۱) سوره کهف، آیه ۱۳.

ظلم به امامان معصوم تنها ظلم زبانی یا عملی یا قلمی نبود، بلکه از هر نوع ظلمی در مورد آنان فروگذار نشد.

گاهی به اسم مـذهب و برای تقرّب به خدا، در خطبه ها و بالای منبرها، در برابر مردم و در خلوت، در حال نماز و غیر نماز به آن امام توهین می کردند و به او بد می گفتند!!

ظلم به امامان، هم از ناحیه دوسـتان نادان بود و هم از ناحیه دشـمنان دانا، دوستان ترسو، بی تفاوت و جاهل و ساده و دشمنانِ منافق و زرنگ و ...

آنان علم و مقام خود را از امامان معصوم کسب می کردند و بر علیه آن بزرگواران حرکت می کردند.

ص: ۴۸

نماز جمعه بود که ناگاه فروشندگانی وارد شده و شروع به طبل زدن کردند، مردم رسول خدا را رها کرده و دور کاروان را

گرفتند و پیامبرصلی الله علیه وآله را تنها گذاشتند و از آن همه مردم، چند نفری بیشتر پای سخن پیامبرصلی الله علیه وآله ننشستند، آیا رها کردن پیامبرصلی الله علیه وآله صلاح بود؟!

مگر قرآن نخوانده اند که اکثر بنی اسرائیل هارون جانشین حضرت موسی را رها و دور گوساله جمع شدند.

آری تا هوسها و وسوسه ها هست، احتمال هرگونه خطری هست.

## ۳۶- همگامی شیعه و اهل سنت

اصول عقائد اسلامی (امامت) » همگامی شیعه و اهل سنت

با سیری در کتب شیعه و اهل سنت مشاهده می کنید که تقریباً تمام فضائلی که شیعه درباره حضرت علی علیه السلام بیان کرده، علمای اهل سنت هم آن را نقل کرده اند و اگر جائی شیعه انتقاد از بعضی اصحاب کرده اند همان انتقادها را در کتاب های خود اهل سنت هم مشاهده می کنیم.

امّا کسانی قصد برهم زدن وحدت مسلمانان را دارند و میان شیعه و سنی تفرقه ایجاد می کنند و ادّعا می کنند که در شهرهای شیعه نشین اهل سنّت مورد توهین و تحقیر قرار می گیرند. امّا به عنوان نمونه اگر سفری به ایران بیایند، می بینند که در شهرهای بسیاری شیعه و سنّی همچون دو برادر در کنار هم کار و تلاش و همکاری نموده و در ازدواج و معامله و مسافرت مشارکت نموده و همواره به یکدیگر احترام می گزارند

و هرگز تفرقه ای در کار نیست. آنگاه متوجه خواهند شد که در کشورهای دیگر بعضی ناشیانه یا مغرضانه و عوام فریبانه دست به یک سری تهمت ها علیه شیعه زده اند.

آری شیعه نه یک فرقه سیاسی است و نه گروه بدعت گزار، بلکه حرکت آنها برخاسته از متن اسلام و قرآن و هدف آنها رضای خداست. شیعه همان مسلمانان و علاقمندان به علی علیه السلام هستند که در زمان خود پیامبر صلی الله علیه وآله نیز بوده اند و آن حضرت این لقب را به پیروان حضرت علی علیه السلام عطا فرمودند.(۱)

واژه شیعه توسط پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله بارها خطاب به علی علیه السلام به کار رفته است. عباراتی از قبیل: «یا علیّ! أنت و شیعتک هم الفائزون»(۱۴۴) ای علی! تو و شیعیانت رستگارایید.

۱۴۴) بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۴۶.

ص: ۴۹

---

۱- ۱۴۳) الغدیر، ج ۲، ص ۵۷ .

## ۳۷- رهبری های ممنوع

اصول عقائد اسلامی (امامت) » رهبری های ممنوع

در قرآن دو نوع رهبری و امامت مطرح شده است: امام نور که مردم را به سوی خدا هدایت می کند، «ائمّه یهدون بأمرنا»(۱۴۵) و امام نار که مردم را به سوی آتش می کشاند، «ائمّه یدعون الی النار»(۱۴۶) و روی مسئله رهبری زیاد تکیه شده است هم در جنبه مثبت و هم در جنب منفی. در جنبه مثبت پیروی از رسول خدا صلی الله علیه وآله و اولی الامر واجب و در کنار پیروی خدا ذکر شده و سفارش شده که علاوه بر خدا و رسول باید از

امامان و اولیای الهی و فقهای جامع الشرائط اطاعت نمود و اگر کسی سخن آنان را نپذیرد و رد کند، گویا فرمان خدا و رسول خدا را رد کرده و به منزله شرک به خداوند است.(۱۴۷)

در جنبه منفی نیز قرآن کسانی را معرفی نموده که باید از آنان دوری کرد.

با نگاهی به قرآن، افراد و گروه هایی را که نباید امام و رهبر باشند و نباید مردم از آنان اطاعت و پیروی کنند، فهرست وار بیان کنیم، اگر چه هر انسان عاقلی با همان فطرت خدادادی خود می فهمد که این گروه ها لیاقت رهبری را ندارند. به هر حال قرآن به عنوان هدایت و هشدار به معرفی آنان می پردازد:

۱- گنهکاران و کافران

«لا تُطِع منهم آثماً أو کَفوراً»(۱۴۸)

از گناهکاران و کافران اطاعت مکن.

۲- فسادگران

«و لا تتّبع سبیل المفسدین»(۱۴۹)

از کسانی که به نوعی اهل فساد هستند، پیروی مکن.

۳- جاهلان و نادانان

«لا تتّبع اهواء الّذین لا یعلمون»(۱۵۰)

الگوگیری از هوی و هوس افراد جاهل ممنوع است.

۴- دروغگویان و تکذیب کنندگان

«و لاتُطِعِ المکذّبین»(۱)

از افرادی که به خاطر غرور و تکبّر حق را نمی پذیرند و حقائق را تکذیب می کنند، اطاعت نکن.

۵ - غافلان و هوسرانان

«ولا تطع مَن أغفلنا قلبه عن ذکرنا واتّبع هواه و کان امرُه فُرطاً»(۲)

از کسانی که قلبشان را از یاد خود (به خاطر عمل خودشان) غافل نمودیم و به جای حق پیرو هوسها و غرائز سرکش هستند و از مرز اعتدال و حق بیرون و اهل افراط و زیاده روی هستند، اطاعت مکن.

۶- فرومایگان

«و لا تُطِع کلّ حلّاف مَهین»(۳)

از فرومایگانی که با سوگندهای پی در پی، از فرصت ها سوء استفاده کرده و خود را در جامعه جا می زنند پیروی نکن.

۷- اسراف کنندگان

«و لا تُطیوا امر المسرفین»(۴)

از پذیرش رهبری اهل اسراف، دوری کنید.

۸ - محکومان سابقه دار

«ولا تتّبعوا اهواء قوم قد ضَلّوا من قبل»(۱۵۵)

از کسانی که سابقه گمراهی دارند و اکنون هم محکوم هوسها و غرائز خود هستند پیروی نکنید.

با نگاهی گذرا به آیات فوق، می بینیم که گناه، انحراف، اسراف، افساد، جهل، سوء سابقه و کفر موجب می شود افراد که گروه هایی از قابلیّت رهبری ساقط شوند و امام و رهبر باید از تمام عوارض فوق و نظائر آن دور باشد.

در آیات دیگر قرآن، ولایت یهود و نصاری بر مسلمانان و همچنین ولایت و نفوذ و سرپرستی دشمنان خدا و یا مسلمان نمایانی که مکتب را بهانه و دستاویز قرار می دهند ممنوع اعلام شده است.

۱۵۵) سوره مائده، آیه ۶۲.

۱- ۱۵۱) سوره قلم، آیه ۸.

۲- ۱۵۲) سوره کهف، آیه ۲۸.

۳- ۱۵۳) سوره قلم، آیه ۱۰.

۴- ۱۵۴) سوره شعراء، آیه ۱۵۱.

## ۳۸- شیعه یا سنّی؟

اصول عقائد اسلامی (امامت) » شیعه یا سنّی؟

در یکی از کشورهای اسلامی در حضور حدود سیصد نفر از اساتید دانشگاه، موضوعی را با توجّه به آیات قرآن مورد بحث و سخنرانی قرار دادم. از لطف خدا، مورد توجّه قرار گرفت و یکی از حاضران با صدای بلند گفت: احسنت، خیلی خوب بود ولی حیف که تو شیعه ای! بیائید مسلمانان همه با هم یکی بشویم.

گفتم: حرف شما قبول، نه شیعه و نه سنی، فقط قرآن.

تا این مطلب را گفتم مدتی کف زدند و تشویق کردند. کف زدن ها که تمام شد، گفتم: با هم به سراغ قرآن برویم و ببینیم قرآن چه می گوید؟

گفتم: تا زمانی که پیغمبر بود، دوگانگی و اختلاف شیعه و سنّی وجود نداشت و پیامبراکرم صلی الله علیه وآله الگوی همه بود. «لقد کان لکم فی رسول اللّه اُسوه حسنه»(۱۵۶)

امّا پس از رحلت پیامبر دو راه پیدا شد: یکی راه اهل بیت او که ما شیعیان پیرو آنان هستیم و دستمان را در دست آنها گذاشته و فقهمان را از آنها گرفته ایم و راه دیگر، راهی است که برادران اهل سنت آن را انتخاب کرده اند.

دلیل اینکه من شیعه هستم و خط اهل بیت را انتخاب کرده ام سه آیه از قرآن است:

۱- قرآن در مورد اهل بیت علیهم السلام می فرماید: «انّما یُرید اللّه لِیُذهب عنکم الرّجس اهل البیت و یطهّرکم تطهیراً»(۱۵۷) خداوند اراده نموده که پلیدی ها را از شما اهل بیت دور گرداند و شما را پاک و منزّه گرداند.

خداوند در این آیه به صراحت اعلام فرموده که اهل بیت، از گناه و پلیدی معصومند، آیا راجع به ائمّه اهل سنت چنین مطلبی وجود دارد؟!

۲- اهل بیت علیهم السلام از همان ابتدای اسلام پیش گام بوده و در قرن اول بوده اند و قرآن پیشگامان را برتری داده و فرموده است: «و السابقون السّابقون اولئک المقرّبون»(۱۵۸) در حالی که پیشوایان اهل سنت (یعنی ابوحنیفه، مالک، شافعی و احمد حنبل)، همه سالها پس از پیامبر آمده و از متولدین قرن دوم هستند.

۳- اهل بیت علیهم السلام در راه خدا جهاد کرده و به شهادت رسیده اند و قرآن مجاهدان در راه خدا را بر دیگران برتری داده است. «فضل اللّه المجاهدین علی القاعدین اجراً عظیماً»(۱)

## ۳۹- حدیث کساء

اصول عقائد اسلامی (امامت) » حدیث کساء

روزی پیامبرصلی الله علیه وآله وارد خانه دخترش زهراعلیها السلام شد و عبای خود را که به «کسای یمانی» معروف بود بر روی خود کشید، اندکی گذشت، امام حسن علیه السلام که کودکی خردسال بود وارد شد، به مادر سلام کرد و جویای پدربزرگ خود شد. فاطمه او را به سوی پدر راهنمایی کرد. سپس امام حسین علیه السلام و پس از او امیرمؤمنان علیه السلام وارد شدند و در کنار پیامبر قرار گرفتند و با اجازه رسول خدا به

زیر کسا در آمدند. سرانجام حضرت فاطمه علیها السلام نیز به آنها ملحق گردید.

افراد دیگری نیز در خانه وجود داشتند، امّا پیامبر به هیچ شخص دیگری اجازه ورود ندادند. آنگاه فرمودند: خدایا! اینها اهل بیت من هستند و در مورد آنان دعا کردند.

این اقدام پیامبر بدان جهت بود که جلوی سوء استفاده دیگران را بگیرند و فردا هر کسی به عنوان عمو و همسر پیامبر ادّعا نکند که از اهل بیت پیامبر است و مشمول آیه تطهیر می باشد.

## ۴۰- معرّفی روزانه

اصول عقائد اسلامی (امامت) » معرّفی روزانه

پیامبر در اواخر عمر، روزهای متوالی (بعضی شش ماه و برخی نه ماه گفته اند) هر روز صبح به کنار خانه علی و فاطمه علیهما السلام می آمدند و دست های خود را دو طرف درب خانه می گذاشتند و می فرمودند: «السلام علیکم یا اهل بیت النبوّه»(۱۶۰) امّا پیشوایان اهل سنت چنین نبوده اند.

آری، پذیرش اطاعت و رهبری اهل بیت علیهم السلام، مستند به آیات قرآن است، حال شما برای پیروی از دیگران چه دلیل قرآنی دارید؟!

آنان پاسخی جز سکوت نداشتند!

۱- ۱۵۹) سوره نساء، آیه ۹۵.

پیامبر بدین وسیله اهل بیت را به مردم معرفی می کردند، تا برای مردم فرهنگ شود و مردم اهل بیت را کاملاً بشناسند و افراد دیگر را هر چند از همسران و بستگان پیامبر باشند، جزو اهل بیت محسوب نکنند.

اصول عقائد اسلامی (امامت) » محبّت اهل بیت علیهم السلام

ص: ۵۴

روزی می خواستم از خانه خارج شوم، فرزند خردسالم گفت: بابا برای من بیسکویت می خری؟ گفتم: وقتی برگردم برایت می خرم.

حدیث داریم اگر به فرزندنت قول و وعده ای دادی، عمل کن! متأسفانه آن روز وقتی به خانه برگشتم بر اثر قصور یا تقصیر بیسکویت نخریدم. تا وارد خانه شدم، فرزندم گفت: بابا بیسکویت خریدی؟ گفتم: نه. گفت: بابا بَدِه. گفتم: نه بابا خوبه. دیدم ذکر گرفت که بابا بَدِه بابا بَدِه. او را بغل کردم و گفتم: بابا جون! من تو را دوست دارم گفت: بیسکویتت کو؟

من فهمیدم محبت بدون بیسکویت را بچه دو ساله هم قبول ندارد.

دروغ می گویند آنهایی که می گویند ما ولای علیّ داریم، امّا پایشان به مسجد و نمازجمعه و جماعت نمی رسد. پایشان به جبهه و صحنه مبارزه نمی رسد.

علیّ مرد جبهه بود، مرد شمشیر بود، مرد عبادت و اشک و ناله بود، مرد حماسه و فریاد بود، دوستدار علی نیز باید در این راه قدم بردارد.

## ۴۱- ماجرای غدیر

اصول عقائد اسلامی (امامت) » ماجرای غدیر

در سال دهم هجری یعنی اواخر عمر پیامبر، در مدینه اعلام گردید که امسال پیامبر درمراسم حج شرکت می کنند. هر کس مایل است، همراه پیامبر حرکت کند.

کاروان باشکوهی از مسلمانان عازم زیارت خانه خدا و انجام مناسک حج گردید. پس از بجای آوردن اعمال حج، در برگشت، کاروان به چهارراهی رسید که حجاج هر کدام به راه خود می رفتند. نام آن محل، غدیر خم بود.

این منطقه سه ویژگی داشت:

۱- برکه آبی بود که برای آن جمعیّت انبوه و احشام آنها در آن هوای گرم بسیار ضروری بود.

۲- چهار راه و به عبارت دیگر گلوگاه بود.

۳- زمین گود بود. تا مراسم برای همه قابل مشاهده باشد. مانند فوتبالیست ها که توی گودی اند و تماشاچی ها از آن بالا همه را به خوبی می بینند.

پیامبر و علی علیهما السلام نیز در گودی قرار گرفتند تا همه به خوبی آنها را ببینند.

در این هنگام، فرشته وحی الهی فرود آمده و آیه زیر را بیان کرد:

«یا ایّها الرّسول بَلّغ ما اُنزل الیک من ربّک و اِن لم تفعل فما بلّغت رسالته و اللّه یعصمک من النّاس انّ اللّه لا یَهدی القوم الکافرین»(۱۶۱)

ای رسول ما! آنچه را که از طرف پروردگارت به تو نازل شده است ابلاغ کن و اگر چنین نکنی، رسالتت را به سرانجام نرسانده ای و خداوند تو را از مردم محافظت می کند. همانا خداوند کافران را (به هیچ راه موفّقی) هدایت نمی کند.

براستی پیامبر چه چیز را باید ابلاغ کند؟!

ص: ۵۵

نکته قابـل توجه کلمه «مـا» در «مـا انزل الیک» است. به طور قطع آنچه را که پیامبر بایـد ابلاغ کنـد، جزء دین است، اما آیا از اصول دین است؟ توحید است یا نبوّت یا معاد؟

قطعاً توحیـد نیست، زیرا اکنون آخرین سال عمر مبارک پیامبر است، آیا پیامبر تاکنون مردم را به توحیـد دعوت نکرده است؟ آیـا از آنهـا نخواسـته است که «لا اله الا اللّه» بگوینـد؟! یا بایـد تبلیغ کنـد که من پیامبرم؟ آیا تا کنون معاد را برای مردم نگفته است؟! در حالی که بسیاری از سوره هایی که در اوائل بعثت و در مکه نازل شده، مربوط به معاد است.

آیا منظور ابلاغ فروع دین است؟ آیا پیامبر بایـد از مردم بخواهـد که نماز بخوانند، یعنی کسانی که به حج آمده بودند، تارک الصلوه بودند؟!

دستور وجوب روزه، زکات، خمس و جهاد همه در سال دوم هجری نازل گردید. پس این مأموریّت چیست؟

این پیام بایـد موضوعی باشـد که اصول دین و فروع دین بنـد به آن است. علاوه بر آنکه خداونـد می فرمایـد: اگر این پیام را نرسـانی، اصـلاً رسـالتت را ابلاـغ نکرده ای. گویا پیامبر از ابلاغ این پیام می ترسـد، زیرا ادامه آیه می گویـد: خداونـد تو را از مردم محـافظت می کنـد، براستی این چه امری است که پیـامبر می ترسـد و از چه چیز می ترسـد؟ آیا پیامبری که در جنگ ها نترسیده، بر جانِ خود می ترسد که خداوند

می گوید نترس؟ یا از کینه ها و عقده هایی که منافقان و دشمنان اسلام از علی علیه السلام در سینه دارند می ترسد!

چنانکه در دعای ندبه می خوانیم: «أحقاداً بَدریّهً و خیبریّهً و حُنینیّه»

کینه های بجا مانده از جنگ های بدر و خیبر و حنین.

به هر حال پیامبر دسـتور داد تا کاروان توقف کند، آنهایی که پیشاپیش حرکت می کردند، برگشتند و آنهایی که عقب مانده بودند رسیدند. جمعیّتی در حدود ۱۲۴۰۰۰ نفر گرداگرد پیامبر جمع شدند.

نماز جماعت ظهر اقامه گردید. آنگاه پیامبر دستور داد منبری از جهاز شتران درست کردند و بر بالای آن قرار گرفت.

پیامبر به هر یک از چهار طرف نگاهی کرد و فرمود: «الا تسمعون؟» آیا صدای مرا می شنوید؟ مردم جواب دادند: بلی.

پیامبر این اقرار و اعتراف را از آنها گرفت، تا فردا کسی ادّعا نکند که من نفهمیدم و متوجه صحبت های پیامبر نشدم!

و هنگامی که فاطمه زهراعلیها السـلام در تاریکی های شب به در خانه مهاجر و انصار می آمد و سخنان پیامبر را در ارتباط با جریان غدیر و خلافت علی علیه السلام به آنها یادآوری می کرد، نگویند: ما نشنیدیم!

ص: ۵۶

پیامبر در آن روز و در آن هوای گرم، خطبه بسیار طولانی و جامعی خواند، سپس علی علیه السلام را به نزد خود فرا خواند و زیر بازوی او را گرفت به نحوی که همه او را ببینند و فرمود: «مَن کُنتُ مولاه فهذا علیّ مولاه» هر که من مولای اویم، این علی مولای اوست.

سپس این آیه نازل شد:

«ألیوم یئس الّذین کفروا من دینکم فلاتخشوهم و اخشون ألیوم أکملتُ لکم دینکم و أتممتُ علیکم نعمتی و رضیتُ لکم الاسلام دیناً»(۱)

## ۴۲- آیا پیام غدیر، دوستی علیّ علیه السلام بود؟

امروز کفّار نسبت به دین شما مأیوس شدند پس از آنان نترسید و از من بترسید. امروز دین شما را کامل کردم و نعمت را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان دین شما برگزیدم.

اصول عقائد اسلامی (امامت) » آیا پیام غدیر، دوستی علیّ علیه السلام بود؟

بعضی می گویند: منظور پیامبر از «مَن کنتُ مولاه فهذا علیّ مَولاه» دوستی علی علیه السلام بود. زیرا یکی از معانی ولایت، محبّت و دوستی است. امّا آیا بر گرداندن کسانی که مسافتی را طی کرده اند و جمع کردن و نگه داشتن آنها به مدت سه روز در آن بیابان داغ برای ابلاغ این مطلب بود که مردم علی را دوست بدارید! هر چند دوستی علی علیه السلام هم بسیار مهم است و بسیاری به دوستی علی علیه السلام هم عمل

نکردند!

از آن گذشته آیا دوستی بیعت می خواهد؟ دوستی تبریک می خواهد؟ چرا برخی آمدند و گفتند: «بخٍ بخٍ لک یا علیّ، أصبحتَ مولای و مولا کلّ مؤمن»(۱۶۳) مبارک باد، مبارک باد ای علی! امروز تو مولای ما و مولای هر مؤمنی گردیدی.

براستی هر کس در دادگاه دو شاهد داشته باشد، حق خود را می گیرد، در حالی که علی علیه السلام یکصد و بیست و چهار هزار نفر شاهد داشت و حقش را از بین بردند. آری علی، اول مظلوم تاریخ است!



---

۱- ۱۶۲) سوره مائده، آیه ۳.

از خدا و رسول و صاحبان فرمان پیروی کنید.

«اولی الامر» یعنی صاحب اختیار و فرمان، چه کسانی هستند؟

به عقیده ما شیعیان اولی الامر، امامان معصوم هستند، نه هر صاحب قدرتی که بر مردم تسلّط پیدا کند. زیرا این صاحبان فرمانی که در کنار خدا و رسول هستند باید در راه خدا و رسول باشند.

بدیهی است که وقتی می گویند از خدا و پیامبر فرمانبرداری کنید، یعنی هیچ گناهی را انجام ندهید. از طرف دیگر، اگر ما مصادیق اولی الامر را سلاطین و رؤسای جمهور کشورها بدانیم، که نه تنها معصوم نیستند بلکه گاهی سرآمد گنهکاران می باشند، پس باید از آنها فرمانبرداری و پیروی کنیم.

آیا این صحیح است که قرآن در یک آیه هم به ما سفارش کند که پیرو خدا و رسول باشیم و هرگز دور خلاف نگردیم و گناه نکنیم و هم سفارش کند که پیرو کسانی باشیم که هر روز صدها خلاف می کنند؟! اگر خیلی خوش بین باشیم، آنان گاهی مرتکب گناه می شوند، که در این صورت مطیع آنها بودن، یعنی گاهی گناه کردن.

آیا چنین تناقضی از سوی خداوند حکیم پذیرفته است؟ بنابراین منظور از اولی الامر هر حاکم و صاحب قدرتی نیست.

بیانی دیگر

همان گونه که در این آیه فرمانِ «اطیعوا» داریم، در آیات دیگر، نهیِ «لا تطع» و «لا تطیعوا» داریم. خداوند در یک جا فرمان اطاعت از حاکمان می دهد و در جای دیگر می فرماید: اطاعت نکنید، تکلیف چیست؟

اگر منظور از «اولی الامر» هر صاحب قدرتی باشد، با این همه مواردی که خداوند از اطاعت آنان نهی فرموده، از اطاعت شوندگان چیزی باقی نمی ماند. مانند اینکه پزشک به بیمار بگوید: لبنیات بخور. بعد بگوید: ماست نخور، شیر نخور، پنیر نخور، کره نخور، خامه نخور و ...

پس اولی الامر باید امامان معصوم باشند که اطاعت از آن بزرگواران همان اطاعت از خدا و رسول باشد و هرگونه انحراف فکری و عملی در آنان نباشد و از حد اعلای عصمت برخوردار باشند.

اگر مراد قرآن از اولی الامر افراد غیر معصوم بود، حق این بود که فرمان به پیروی از آنان این چنین مطلق نباشد و مانند پیروی از والدین مشروط باشد. چنانکه قرآن می فرماید: اگر والدین خواستند فرزند را از مدار توحید خارج نمایند، اطاعت از آنها ممنوع است:

«وإن جاهداک لتشرک بی ما لیس لک به علم فلا تطعهما»(۱۶۵)

بنابراین اگر فرمان پیروی از اولی الامر بی قیـد و شـرط آمده است، به این خاطر است که اولی الامر در دیدگاه قرآن نیازی به قید ندارد، آنها کسانی هستند که از انحراف به دورند و دارای مقام عصمت می باشند.

اگر در مسیری حرکت کنیم و به تابلوی که بر روی آن نوشته عبور آزاد، برخورد کنیم، از این تابلو متوجه می شویم که مسیر مشـکلی ندارد، وگرنه اگر مسـیر مشـکلی داشت یا باید تابلوهای احتیاط نصب می شد و یا حداقل تابلوی فوق نصب نمی شد. همچنین هنگامی که خداونـد از انسان می خواهـد از اولی الامر اطاعت کنـد و هیچ گونه قید و شـرطی را ذکر نکرده، آشـکار می گردد که آنها هیچ گونه لغزشی ندارند.

علاوه بر آنکه بر اساس روایات مراد از «اولی الامر» پیشوایان معصومی هسـتند که طبق سیصد حدیث شیعه و اهل سنت، تعداد آنها دوازده نفر است.(۱)

## ۴۳- اولی الامر دوازده نفرند

اصول عقائد اسلامی (امامت) » اولی الامر دوازده نفرند

در روایات متعدد، پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله تعداد و نام جانشینان خود را بیان کرده است:

در برخی روایات آمده است: «الائمّه بعدی اثنی عشـر کلّهم من قریش»(۱۶۷)، رهبران پس از من دوازده نفرنـد و همه آنها از قریش اند.

در برخی دیگر فرموده اند: امامان پس از من به تعداد نُقبای بنی اسرائیل دوازده نفرند.

در برخی روایات پیامبر نام تک تک آن دوازده نفر را بیان کرده اند.

جابر بن عبـداللّه انصاری، صـحابی بزرگ پیامبر می گوید: زمانی که آیه «اطیعوا اللّه و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» نازل شـد، از پیامبر اکرم پرسـیدم: خداونـد و پیامبرش را می شناسـیم، اولی الامر کیاننـد که اطاعتشان به اطاعت خداو رسول مقرون شده است؟

آن حضرت فرمود:

ای جابر! آنان جانشینان من و ائمّه مسلمین هستند،

«اوّلهم علیّ بن ابی طالب ثمّ الحسن ثمّ الحسین ثمّ علیّ بن الحسین ثمّ محمّد بن علیّ»

اول آنـان علی ابن ابیطـالب سـپس دو فرزنـد او حسن و حسـین و آنگاه زین العابـدین فرزنـد حسـین و آنگاه فرزنـدش محمد معروف به باقر است که تو او را درک می کنی. ای جابر! زمانی که او را دیدی سلام مرا به او برسان.

---

۱- ۱۶۶) جلاءالبصر فی ائمه الاثنی عشر، آیت اللّه صافی.

«ثمّ الصادق جعفر بن محمّـد ثم موسـی بن جعفر ثمّ علیّ بن موسـی ثمّ محمّـد بن علیّ ثمّ علیّ بن محمّد ثمّ حسن بن علیّ ثمّ سمیّی و کنیّی حجّه اللّه فی ارضه و بقیته فی عباده ابن الحسن بن علیّ»

پس از او فرزندش جعفر الصادق و آنگاه موسی الکاظم و سپس علی الرضا و آنگاه محمد التقی و سپس علی الهادی و آنگاه حسن العسکری می باشد و آخرین آنان فرزند عسکری است که هم نام من و حجّت خدا بر زمین و بقیت اللّه است.

«ذاک الّذی یفتح اللّه علی یدیه مشارق الارض و مغاربها»

همان که به وسیله او در شرق و غرب عالم فتح و گشایش پیدا خواهد شد.

«ذاک الّذی یغیب عن شیعته و اولیائه»(۱)

## ۴۴- هدف ائمّه یکی است

او همان است که از چشم شیعیان غایب خواهد شد و همه کس او را باور نداشته و لیاقت دیدار او را نخواهد داشت.

البتّه آنـان که امـامت اهل بیت علیهم السـلام را نپـذیرفته انـد، در این که منظور پیامبر از آن دوازده نفری که بعـد از او امامت امت را عهده دار می شوند، چه کسانی هستند سردرگم هستند و به توجیهات بی ربط و بعضاً خنده آوری روی آورده اند.

اصول عقائد اسلامی (امامت) » هدف ائمّه یکی است

ائمه دارای هدف واحدی هسـتند که همان هدف پیامبر است، اما به اقتضای شـرایط زمان و مکان، هر کدام شیوه خاصی را در پیش گرفتند؛ یکی می جنگد و دیگری صـلح می کند، یکی با دعا و توسل به مبارزه با جهل و دشـمن برمی خیزد و دیگری با برگزاری کلاس درس و مجالس بحث و مناظره به تربیت مردم می پردازد.

هر چنـد به ظـاهر هر کـدام دارای نقش متفـاوت بـا دیگری است، ولی هـدف همه یکی است، هماننـد دو دست که به هنگام شسـتشوی لباس هر کدام حرکت متفاوتی دارد و در جهت عکس دیگری حرکت می کند، اما هدف هر دو، رسیدن به تمیزی و پاکیزگی است.

امام که از لغزش و اشـتباه به دور است، چه بجنگـد و چه صـلح کنـد، کارش صـحیح و مورد تأیید خدا و پیامبر است. چنانکه پیامبرصلی الله علیه وآله در مورد امام حسن و امام حسین علیهما السلام فرمود:

«الحسن و الحسین امامان قاما أو قعدا»(۱۶۹) حسن وحسین، امام و پیشوای مردمند، چه بجنگند وچه صلح کنند.



---

۱- ۱۶۸) کمال الدین، ج ۳، ص ۲۵۳.

## ۴۵– جایگاه اهل بیت نزد پیامبر

اصول عقائد اسلامی (امامت) » جایگاه اهل بیت نزد پیامبر

حدیث سفینه

در کتب معروف شیعه و سنی احادیث ارزشمندی از پیامبر اسلام نقل شده که جایگاه والای اهل بیت را نشان می دهد.

مرحوم میرحامدحسین هندی کتابی به نام «عبقات» دارد که قبل از «الغدیر» نگاشته شده و مرحوم علامه امینی صاحب کتاب الغدیر از آن بسیار استفاده کرده است، بنده نیز در کتابی دیدم که امام خمینی قدس سره فرموده بودند: بر علما لازم است که به کتاب عبقات اهمیّت داده و آن را چاپ کنند.

در این کتاب ۱۸۷ حدیث از طریق ۹۲ نفر از بزرگان اهل سنت از جمله امام شافعی، احمد حنبل و مسلم نقل کرده که پیامبر فرمود: «مثل اهل بیتی کسفینه نوح مَن رَکبها نجی و مَن تخلّف عنها غرق»

اهل بیت من، همچون کشتی نوح هستند، هر کس بر آن سوار شد، نجات یافت و هر کس از آن روی گرداند، غرق گردید.

همچنین شیعه و سنّی از آن حضرت نقل کرده اند که فرمود:

یهودیان، پس از پیامبرشان هفتاد و یک فرقه و مسیحیان، هفتاد و دو فرقه شدند و امت من هفتاد و سه فرقه خواهد شد و تنها یکی از آنها اهل نجات است.

در این که فرقه ناجیه کدام است، میانِ فرق مختلف اختلاف شده و هر فرقه ای خود مدّعی آن است. امّا پیامبر راه را نشان داده و تنها راه اهل بیت را راه حقّ و نجات می داند، «مَن رکبها نَجی» هر کس متمسّک به اهل بیت شد، نجات پیدا می کند.

یکی از استدلال های متین و محکم در ارتباط با حقانیّت راه اهل بیت همین حدیث سفینه است. من با علمای بسیاری از کشورهای اسلامی مذاکره و مباحثه داشته ام، وقتی این استدلال را مطرح می کردم، پاسخی نداشته و چاره ای جز تسلیم نداشتند.

حدیث ثقلین

پیامبر در حدیث معروفی که بسیاری از علمای اهل سنّت نیز آن را نقل کرده اند می فرماید: «انّی تارک فیکم الثقلین کتاب اللّه و عترتی ما ان تمسکتم بهما لن تضلوا و لن یفتقرقا حتی یردا علیّ الحوض»(۱۷۰)

من دو چیز گرانبها در میان شما به یادگار می گذارم، کتاب خدا و عترتم. این دو از هم جدا نمی شوند تا هنگامی که در کنار حوض کوثر در بهشت به من برگردند.

جای بسی تأسف است که بعضی مغرضانه در حالی که حدود یکصد حدیث نقل شده که پیامبر فرمود: «کتاب اللّه و عترتی» و فقط در یک حدیث آمده که پیامبر فرمود: «کتاب اللّه و سنّتی»، عده ای همه آن احادیث را رها کرده و تنها به این یک حدیث استناد می کنند.

همان گونه که در بیان ماجرای آخرین سفر حج رسول خدا از کوچک ترین مطلبی فرو گذار نکرده اند و به اصطلاح قدم به قدم ماجرای سفر رسول خدا به مکه را نوشته و نقل کرده اند، اما از برگشت رسول خدا از آن سفر حج و رفتن به مدینه، اصلاً خبری نیست! زیرا در نقل آن بایستی ماجرای غدیر خم را نقل می کردند، لذا مغرضانه هیچ نقلی از برگشت نیست!!

در حدیث ثقلین نکات ارزنده ای وجود دارد که بررسی آن خالی از لطف نیست:

۱- پیامبر در این حدیث می فرماید: تا زمانی که پیرو قرآن و عترت باشید، هرگز منحرف و گمراه نمی شوید. «ما اِن تمسّکتم بهما لن تضلّوا ابداً»

هر مسلمانی روزانه حداقل ده مرتبه در نماز، از خدا می خواهد که او را از راه غضب شدگان و گمراهان دور کند. اگر مسلمانان بخواهند به راه راست دست یابند و جزو گمراهان نباشند، باید پیوسته به این دو یادگار پیامبر متمسک باشند.

۲- از همگونی قرآن و اهل بیت استفاده می شود که اگر قرآن جامع علوم است، «لا رطبٍ و لا یابسٍ الاّ فی کتاب مبین»(۱) پس اهل بیت نیز با خواست خدا عارف به همه مطالب و حقایق و اعلم مردم هستند.

۳- همان گونه که تمسک به قرآن واجب است، تمسک به اهل بیت نیز واجب است.

۴- همان گونه که قرآن حبل اللّه است، «و اعتصموا بحبل اللّه جمیعا»(۲) اهل بیت نیز حبل اللّه و عامل وحدت هستند.

۵ - این دو از هم جدا شدنی نیستند. «لن یفترقا حتی یردا علیّ الحوض»

این دو در کنار یکدیگر، وسیله نجات و هدایت اند. اگر کسی فقط به کتاب خدا قناعت کند، گمراه است و اگر کسی خود را علاقه مند به اهل بیت بداند و قرآن را رها کند، باز گمراه است. این دو همانند دو بال پروازند که اگر باهم نباشند پروازی صورت نمی گیرد.

۶- همان گونه که قرآن کلام خدا و به دور از هر گونه اشتباه، خطا و گناهی است، «لاـ یأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه»(۱۷۳) امامان نیز معصوم هستند. زیرا پیامبر فرمود: هیچ گاه این دو از هم جدا نمی شوند. اگر امام لحظه ای مرتکب گناه شود قطعاً از قرآن جدا شده و فاصله گرفته است.

۷- همان گونه که تغییر و تبدیل قرآن صحیح نیست و حرام است، تبدیل ولایت اهل بیت به ولایت دیگران نیز حرام است.

۱۷۳) سوره فصّلت، آیه ۴۲.

---

۱- ۱۷۱) سوره انعام، آیه ۵۹.

۲- ۱۷۲) سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.

## ۴۶- گستره تربیت و هدایت اهل بیت

اصول عقائد اسلامی (امامت) » گستره تربیت و هدایت اهل بیت

پس از شـهادت امام حسـین علیه السـلام، بنی امیه تمامی فرصت ها را از اهل بیت و طرفـداران آنها گرفتنـد، نه اجازه خطابه و سخنرانی دادنـد و و نه تـدریس و به شـدت جلوی هر روش تبلیغی و تربیتی را گرفتنـد. در این هنگـام، امام زین العابـدین علیه السـلام معـارف الهی و علوم خود را از طریق حضـرت زینب و یـا از طریق دعـا به مردم می رسانـد و چون ملاقـات با او بسـیار سخت بود، به تشکیل یک دانشکده سری در منزل خود

پرداخـت، بـدین ترتیـب کـه امـام برده هـا را می خریـد و آنهـا را مـدتی نزد خـود نگه می داشت و به تعلیم و تربیت آنـان می پرداخت و سپس در شب عید فطر آنان را آزاد می کرد. در حقیقت این ها فارغ التحصیلان دانشگاه امام سجاد بودند.

امام در هنگام آزاد کردن بردگان به خداونـد عرض می کرد: «خدایا! من بنده هایم را آزاد کردم، تو هم امشب، که شب عید فطر است، علی بن الحسین را از آتش جهنم آزاد کن!»

## ۴۷- ائمّه و توجّه به خودسازی

اصول عقائد اسلامی (امامت) » ائمّه و توجّه به خودسازی

ائمه و پیشوایان پیوسته برای تکامل خود تلاش می کردند. آنها با انجام اعمال صالح و عبادت و راز و نیاز در این مسیر گام بر می داشتند.

امام سجادعلیه السلام می فرماید: «الهی لا تدع خصله تعاب منّی الاّ اصلحتها»

خدایا اگر خصلت بدی در من وجود دارد، آن را اصلاح فرما.

به امام سـجادعلیه السلام گفتند: چقدر عبادت می کنی؟ امام اشک می ریزد و می فرماید: عبادت من کجا و عبادت علی علیه السلام کجا؟

به علی علیه السـلام می گوینـد چرا برای عبـادت این همه خود را به زحمت می انـدازی؟ جواب می دهـد: عبـادت من کجا و عبادت پیامبر کجا!

یکی از همسـران پیامبر به او عرض می کنـد: یا رسول اللّه! خداوند که این همه به شـما لطف دارد و آمرزیده هستی، چرا این همه خودت را به زحمت می اندازی؟!

پیامبر پاسخ می دهد: آیا بنده شکرگزاری نباشم.

پیامبر آنچنان در مسیر کمال به تلاش و مجاهده پرداخته بود که خداوند به آن حضرت می فرماید: «طه ما انزلنا علیک القرآن لتشقی»(۱۷۴) ای پیامبر! ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که خود را به مشقت افکنی!

در حدیثی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می فرماید: «ما عرفناک حقّ معرفتک»(۱۷۵)

خداوندا! ما هیچ گاه تو را آنگونه که شایسته است نشناختیم.

ص: ۶۳

درس بسیار ارزنده ای که از این مطالب می توان آموخت آن است که ما هیچ گاه نباید به آن چه اندوخته ایم، دلخوش باشیم. ما نباید به مسافت و راهی که طی کرده ایم، توجه کنیم، زیرا ممکن است دچار غرور شویم و از حرکت باز بمانیم. بلکه باید همیشه به جلو نگاه کنیم و مسیر طولانی را که باید بپیمائیم و کارهای ناتمامی را که باید به پایان برسانیم، در نظر داشته باشیم. به چند کتابی که خوانده ایم و چند درسی

که گذرانده ایم و چند رکعت نمازی که خوانده ایم، نگاه نکنیم. به سختی های آینده و عالم قبر و قیامت فکر کنیم که در آنجا از فقر و بی چیزی می نالیم. چنانکه حضرت علی علیه السلام می فرمود: «آه من قلّه الزّاد و طول الطریق و بُعد السفر و عظیم المورد»(۱)

## ۴۸- امام مهدی علیه السلام

اصول عقائد اسلامی (امامت) » امام مهدی علیه السلام

بر اساس شواهد تاریخی، یازده امام به دنیا آمده و شهید شده اند ولی امام دوازدهم پس از تولد به خواست خداوند از دیدگان غایب گشته اند تا هر زمان که خدا بخواهد و مصلحت بداند ظهور کنند و دنیا را پر از عدل و داد نمایند. لذا امام زمانِ ما، حضرت مهدی علیه السلام است که در اینجا به بحث مختصری درباره دوران غیبت و ظهور آن حضرت می پردازیم.

در قرآن آیات متعددی به قیام امام زمان علیه السلام در آخر الزمان اشاره دارد. ما در اینجا به نقل چند آیه اکتفا می کنیم.

«هو الّذی أرسل رسوله بالهُدی و دین الحقّ لیظهره علی الدِّین کلّه»(۱۷۷)

او خداوندی است که پیامبرش را با دین حق برای هدایت مردم فرستاد تا بر همه ادیان عالم تسلط و برتری دهد.

این آیه که سه بار در قرآن تکرار شده، بشارت می دهد که دین اسلام سراسر دنیا را فرا خواهد گرفت.

برای جهان شمول شدن اسلام، سه شرط لازم است: ۱- وجود یک رهبر جهانی. ۲- وجود یک قانون جهانی. ۳- آمادگی جهانی.



---

۱- ۱۷۶) نهج البلاغه، حکمت ۷۷.

رهبر جهـانی وجود دارد وآن حضـرت مهـدی (عجّل اللّه تعالی فرجه الشـریف) است، قانون جهانی نیز قرآن است، کتابی که هدایتگر است و هیچ تحریفی در آن صورت نگرفته است.

و اما آمادگی جهانی، هنوز مشاهده نمی شود، لذا باید تلاش کرد و زمینه های لازم را برای آن فراهم ساخت.

امام زمان وقتی ظهور می کند که آمادگی از هر جهت در میان مردم وجود داشته باشد. مردم به معارف و اندیشه های قرآن و اسلام آگاه و آمادگی حکومت امام زمان را داشته باشند.

امام زمان علیه السلام یار و یاور بسیار دارد، منتهی در روایات تعداد یاران امام سیصد و سیزده نفر آمده که تعداد پنجاه نفر از آنها خانم هستند. البتّه اینان فرماندهان و افسران سپاه امام هستند.

در حـدیث داریم، هنگـامی که امـام زمـان ظهور می کنـد، دانشـمندان و متخصّصـین شـرق و غرب با ایشان بیعت می کننـد و تخصّـص خود را در اختیار ایشان می گذارنـد، همان گونه که هنگام پیروزی انقلاب اسـلامی متخصّـصان نظامی و غیر نظامی کشورمان با امام خمینی قدس سره بیعت کرده و تخصّص و توانایی خویش را در اختیار ایشان و اهداف مقدسشان قرار دادند.

ص: ۶۵

برق تمایلی به نصب مجدد لامپ

ندارد، اما به خاطر خواهش بزرگترها و رفاه حال اهالی آن کوچه، ممکن است لامپ دیگری را نصب کند.

اما فکر می کنید اداره برق تا چه تعداد این کار را انجام دهد؟

در مورد بحث ما نیز، حاکمان ستمگر، یازده چراغ هدایت را شکستند، خداوند نیز چراغ دوازدهم را نگه داشت تا زمانی که مردم لیاقت و آمادگی بهره گیری از این چراغ هدایت را پیدا کنند.

## ۴۹- انقلاب اسلامی، زمینه ساز ظهور

اصول عقائد اسلامی (امامت) » انقلاب اسلامی، زمینه ساز ظهور

انقلاب اسلامی ایران نشان داد که انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام امکان پذیر است و چندان مشکل نیست، زیرا انقلاب آن حضرت برای تحقق سه امر مهم صورت می پذیرد:

۱- شکستن طاغوت ها. ۲- نجات مستضعفان. ۳- احیای دین.

امام زمان ظهور می کند تا طاغوت ها را بشکند و پایه های شرک و نفاق را در هم بکوبد. «أین هادِمُ أبنیه الشرک و النفاق»(۱)

امام زمان علیه السلام برای تحقق وعده های خداوند و نجات مستضعفان و به حکومت رساندن آنان است. «و نُرید أن نمُنّ علی الّذین استُضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمّه و نجعلهم الوارثین»(۲)

امام زمان می آید تا دین اسلام را در سراسر جهان بگستراند و پرچم پر افتخار توحید و اسلام را در سراسر جهان به اهتزاز در آورد. «لیظهره علی الدّین کلّه»(۳)

## ۵۰- دیدار امام در زمان غیبت

اصول عقائد اسلامی (امامت) » دیدار امام در زمان غیبت

سؤال: آیا ممکن است افرادی امام زمان را ببینند؟

پاسخ: البتّه دیدن امام زمان علیه السلام و رؤیت جمال نورانیش، چشمانی پاک می خواهد، دل پاک می خواهد، اگر کسی چنین شرایطی را داشته باشد، دیدار امام برایش غیر ممکن نیست، امام نسبت به شیعیان و دوستانش، علاقه مند و مهربان است.

حال که در ایران طاغوت شکسته شد و مستضعفان حکومت را به دست گرفتند و قرآن حاکم گردید، بنا بر این در جهان هم می توان چنین کارهای را انجام داد، چرا که مشت نمونه خروار است، به ویژه هنگامی که رهبری همچون امام زمان علیه

السلام زمام امور و فرماندهی را به دست بگیرد. اگر در ایران عالمی عادل، توانست رهبر شود، در عالَم نیز امامی عادل می تواند رهبر شود.

ص: ۶۶

---

۱- ۱۷۸) دعای ندبه.

۲- ۱۷۹) سوره قصص، آیه ۵.

۳- ۱۸۰) سوره صف، آیه ۹.

او فرزند همان علی علیه السلام یاور مستضعفان و بیچارگان است، او که روی خاک می نشست و بالای سر بینوایان حاضر می شد، سر آنها را بر زانو می گرفت و با دستان مبارک خود بر دهان آنها غذا می گذاشت. آری او فرزند علی است و ابائی از دیدار و پذیرش و نوازش ما ندارد، ما مشکل داریم!

خوشا به حال کسانی که موفق به دیدار امام زمان شده اند!

در حرم امام رضا مشغول زیارت بودم، شخصی از من سؤال کرد، چند سال است طلبه ای؟ گفتم: خیلی سال است. گفت: امام علی علیه السلام هنگامی که یارانش را می دید، لذّت می برد و خوشحال می شد، آیا اگر امام زمان علیه السلام تو را ببیند، خوشحال می شود؟ سرافکنده گفتم: اگر امام از من عصبانی نشود همین برای من کافی است!

خوشا به حال کسانی که امام زمان از آنها راضی است.

در حدیث داریم که هفته ای دو مرتبه اعمال ما را به امام زمانمان عرضه می کنند و او با دیدن اعمال صالح ما خوشحال می شود.

البتّه باید مراقب مدّعیان دروغین مهدویّت نیز بود و مواظب باشیم تا از افرادی که به دروغ ادّعای ملاقات و زیارت امام زمان علیه السلام را دارند، فریب نخوریم.

## ۵۱- وظیفه ما در زمان غیبت

اصول عقائد اسلامی (امامت) » وظیفه ما در زمان غیبت

دانستن اینکه امام در چه زمانی ظهور می کنند و یا اینکه اکنون در کجا زندگی می کنند، ارزش چندانی ندارد، آنچه ارزشمند است آن است که بدانیم وظیفه ما در حال حاضر چیست و امام از ما چه انتظاری دارد و سپس به آن جامعه عمل بپوشیم. لذا شناخت وظیفه لازم ترین مطلب در زمان غیبت امام است که ما به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱- شناخت امام زمان و اهداف او. «اللهم عرّفنی حجتک فان لم تعرفنی حجّتک ضللت عن دینی»(۱۸۱)

۲- معرفی و شناساندن امام زمان و انقلاب جهانی او به دیگران و ایجاد زمینه های لازم برای ظهور.

۳- تلاش در جهت جلب رضایت امام زمان علیه السلام با انجام اعمال صالح و ارتباط معنوی.

۴- انتظار فرج و دعا برای ظهور حضرت.

۵ - صدقه دادن و دعا کردن برای سلامتی امام.

۶- خواندن نماز و دعاهای فرج، ندبه، عهد و سلام کامل.

۷- پرداخت حقوق مالی (خمس)، متعلق به امام زمان علیه السلام.

۸ - عمل به تکلیف و واجبات و دوری از گناه و محرّمات.

ص: ۶۷

در پایان یادی کنیم از کسانی که راه امامت و ولایت و تشیع را پیش پای ما گذاشتند و به ما معرفی کردند.

گاهی انسان یک حدیث می خواند، افرادی را متحول می کند و گاهی شخصی صدها حدیث بلد است، اما هیچ نتیجه ای از آنها عائد نمی گردد.

ما امروز به تعداد بسیار زیادی اسلام شناس ناب نیازمندیم، اینجاست که اگر هر دانش آموز دبیرستانی از من بپرسد که چه کاره شوم؟ می گویم: اگر استعداد و پشتکار داری برو طلبه شو.

ص: ۶۸

شود و ظالم به مجازات برسد؟ آیا صدای اسلام نباید به همه دنیا برسد؟ آیا تلاش انبیا و امامان تنها برای زمان خود آن بزرگواران بود یا برای همه زمان ها و سرزمین ها؟

اگر جواب مثبت است و اسلام نیاز به نظام و حکومت و جامعه و قانون دارد و حفظ حقوق و مرزها مطرح است، باید در زمان غیبت نیز حکومت اسلامی باشد. زیرا بدون یک تشکیلات حساب شده و دقیق به خصوص در زمان ما که تمام مخالفان اسلام دارای تشکیلاتی بس بزرگ و دقیق هستند، هرگز نمی توانیم از قانون و مکتب و مرز و جان و مال و آبروی خود دفاع کنیم و اگر حکومت لازم است، حاکم هم لازم است. زیرا حکومت بدون حاکم محال

است.

اکنون که اسلام برای اجرای قوانین خود هم نیاز به حکومت دارد و هم حاکم، باید ببینیم حاکم چه شرایطی باید داشته باشد. آیا لازم است حکم خدا را عمیقاً بداند یا نه؟ آیا عدالت داشته باشد یا نه؟ آیا آشنا و آگاه به مسائل و حوادث باشد یا نه؟ اگر پاسخ مثبت است و به حاکمِ اسلام شناس باتقوی و سیاستمدار نیاز است، این همان است که ما آن را ولایت فقیه می نامیم.

کسانی که ولایت فقیه را قبول ندارند باید یکی از نظریه های زیر را بپذیرند:

۱- اسلام تنها نماز و روزه و یک سری عبادات فردی و اخلاقیات است و در مسائل مهم اجتماعی، حقوقی، قضائی، سیاسی و اقتصادی دخالتی ندارد.

۲- اسلام تنها برای زمان رسول اللّه بوده است و بعد از آن دیگر جای قوانین مهم اجتماعی تنها در لابلای کتاب هاست.

۳- اسلام دارای قوانین حکومتی و اجتماعی می باشد و شرایطی برای مجریان آن قرار نداده و هرکس گرچه جاهل و فاسق باشد می تواند زمام امور را به دست بگیرد.

آیا جامعه اسلامی در زمان غیبت حضرت مهدی علیه السلام نیاز به حاکم و حکومت ندارد؟!(۱۸۲)

امام رضاعلیه السلام می فرماید:

هیچ ملّت و امّتی بدون رهبر نیست و قوام جامعه وابسته به وجود رهبر است، تا به فرمان او هم بیت المال جمع و تقسیم شود و هم با دشمنان خدا به نبرد برخیزند و هم مردم را تشکّل داده و از تفرقه و تشتّت حفظ کند. اگر جامعه چنین رهبری نداشته باشد، از هم می پاشد و قوانین خدا و دستورات رسول اللّه و احکام الهی تغییر می کند.(۱۸۳)

مشاهده می فرمائید که مسئله رهبری و حکومت در بیان امام رضاعلیه السلام به عنوان مهم ترین مسئله زندگی مطرح شده و ناگفته پیداست که گرفتن مالیات به نفع محرومان و تقسیم عادلانه آن

و نبرد با مخالفان و تشکل افراد جامعه چیزی نیست که تنها مربوط به زمان حضور امامان معصوم باشد و در زمان غیبت جامعه را به حال خود رها و حکومت و حاکمی برای مسائل فوق لازم نباشد.

بر اساس روایات نیز اسلام بار حکومت را به دوش فقیه عادل گذارده که به گوشه ای از آنها اشاره می کنیم:

* رسول خداصلی الله علیه وآله فقها را خلیفه خود معرفی کرده است، چنانکه فرمود: «اللّهم ارحم خلفائی» خداوندا! جانشینان مرا مورد لطف و رحمت قرار ده. از آن حضرت سؤال شد جانشینان شما چه کسانی هستند؟ فرمود: «الفقهاء»(۱۸۴)

* پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: «العلماء ورثه الانبیاء»(۱۸۵) علما، وارثان انبیا هستند.

* حضرت علی علیه السلام فرمود: خداوند از علما پیمان گرفته است که در برابر غارتگری ستمگران و گرسنگی محرومان خاموش نمانند.(۱۸۶) شکی نیست که حمایت از مظلومان و محکومیّت ظالم نیاز به قدرت و تشکیلات دارد.

* حضرت علی علیه السلام می فرماید: «العلماء حکّام علی الناس»(۱۸۷) علما، حاکمان مردم هستند.

* امام حسین علیه السلام می فرماید: مجرای امور و احکام باید به دست علمای خداشناس و با تقوی باشد، کسانی که در حرام و حلال خدا خیانت نمی کنند و امانت را حفظ می نمایند.(۱۸۸)

* از امام صادق علیه السلام درباره نزاع هایی که برای حل آنها به نظام طاغوتی مراجعه می شود سؤال شد، امام علیه السلام فرمودند: مراجعه به آنها ممنوع است. حتی اگر شخصی حقّ خود را از طریق دستگاه طاغوتی به دست آورد، حرام است. (شاید به خاطر این که مراجعه به دستگاه طاغوتی به منزله پذیرفتن آن نظام و تقویت آن است.) بلکه در این قبیل موارد وظیفه شما آن است که راه حل را از افرادی بخواهید که شناخت عمیق

نسبت به علوم و روایات ما داشته باشند که من آنها را به عنوان قاضی و داور برای شما تعیین می کنم و بدانید که اگر او حکمی داد و شما آن را قبول نکردید، در واقع حکم خدا را کوچک گرفته اید و هر که آن فقها را رد کند، گویا ما را رد کرده و رد ما ردّ خدا و به منزله شرک به خدای بزرگ است.(۱۸۹)

* امام کاظم علیه السلام فرمود: «الفقهاء حصون الاسلام»(۱۹۰)

فقها، قلعه اسلام هستند.

* امام زمان علیه السلام با خط مبارک خود پیامی برای یکی از نوّاب خود نوشتند که در آن سفارش شده بود: «امّا الحوادث الواقعه فارجعوا فیها الی رواه حدیثنا فانّهم حجّتی علیکم و انا حجّه اللّه»(۱۹۱)

در حوادث جامعه و پیش آمدها، به علما و دانشمندانی که علوم ما را نقل می کنند مراجعه کنید که من آنها را به عنوان حجّت در میان شما قرار دادم و خودم حجت خدا هستم.

از این گونه احادیث متوجه می شویم که موضوع ولایت فقیه چیز تازه ای نیست که جمهوری اسلامی آن را مطرح کرده باشد، بلکه از آغاز بوده است ، منتهی طاغوت ها و پادشاهان نگذاشتند فرصتی برای عمل به این گونه احادیث پیدا شود. گنجی بود مخفی که امام خمینی قدس سره موانع آن را بر طرف کرد و آن را آشکار ساخت.

راه دور نرویم، مهم ترین رمز پیروزی ملت ایران در این انقلاب توجه به ولایت فقیه بود، فقیه جامع الشرائطی همچون امام قدس سره که دستور می داد و مردم با جان و دل می پذیرفتند.

دستور داد شیرهای نفت را ببندید، سربازها از سربازخانه ها فرار کنند، کمبودها را از سهم امام جبران کنند، به تحصّن خود ادامه دهید، اگر درب مساجد را بستند وسط خیابان ها اقامه عزاداری نمایید، آیا این دستوراتِ به موقع امام در زمان طاغوت و پیروی مردم مسلمان دلیل سقوط رژیم پهلوی نشد؟!

ایران کشور پهناوری بود، که در طول تاریخ هر وقت دشمنان به آن حمله کردند، گوشه ای از آن را جدا کردند. تنها زمانی که نتوانستند حتی یک وجب از خاک آن را جدا کنند، زمانی بود که کشور در دست یک ولیّ فقیه بود، با اینکه تمامی قدرت های استکباری جهان و عمّال آنها هماهنگ و متّحد شده و مصمّم بر شکست ایران و تجزیه آن بودند. برای همین است که جهانخواران و مزدوران داخلی آنها با ولایت فقیه مخالفند و با

انواع توطئه ها و تهمت ها در صدد تضعیف آن هستند.

من نمی دانم دلیل منطقی کسانی که با ولایت فقیه مخالفت می کنند، چیست و چه می گویند؟

آیا می گویند مسلمان ها حکومت و نظام لازم ندارند؟

آیا می گویند نظام لازم است ولی ناظم و والی و حاکم لازم نیست؟

آیا می گویند والی جامعه اسلامی، افراد غیر اسلام شناس باشند؟

آیا فکر می کنند ولایت فقیه یک نوع استبداد دینی یا طبقاتی است؟ مگر فقیه از یک طبقه خاصی است؟ و مگر خودخواهی سلب عدالت از فقیه نمی کند که در این صورت ولایت او در جامعه از بین می رود.

ما از مخالفان ولایت فقیه می پرسیم:

ص: ۷۱

شما که دست امت را از دست فقیه عادل درمی آورید در دست چه کسی می گذارید؟

چند فقیه عادل سراغ دارید که وابسته به شرق یا غرب و وطن فروش باشد؟

در این چند سال که مردم ولایت فقیه را پذیرفتند، چه ضرری کردند و از چه چیزی باز ماندند؟

مگر تقلید تنها در مسائل عبادی است؟! مگر در مسائل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی، احتمال حرام و حلال داده نمی شود و مگر نباید در هر موضوعی که احتمال حرام و حلال می دهیم تقلید کنیم؟

آیا سپردن رهبری امت مسلمان به غیراسلام شناس همچون سپردن دانشکده پزشکی به غیر پزشک نیست؟

آیا سپردن امت به دست افراد غیرعادل و گناهکار، خیانت به مقام انسانیّت نیست؟

آیا نمی توانیم به دنیا اعلام کنیم تنها کسانی لیاقت رهبری ما را دارند که از علم و تقوای خاصی برخوردار باشند؟

آیا زمان آن نرسیده که از پذیرش رهبری های غیر صادقانه و سیاست بازان و فرصت طلبان حرفه ای شانه خالی کنیم و خود را در دامن اسلام انداخته و تنها رهبری هایی را بپذیریم که با معیارهای وحی تطبیق کند؟

روا نبود که ما جزوه امامت بنویسیم و از امامت و رهبری جامعه در زمان غیبت حضرت مهدی (عجّل اللّه تعالی فرجه) نامی نبریم.

از خداوند متعال اخلاص در عمل و برکت در عمر را برای همه خواهانم.

پروردگارا! برای همیشه قلب نازنین امام زمان علیه السلام را از ما راضی و خشنود و ما را از بهترین یاران او قرار بده.

خدایا! ما را مشمول دعاهای آن حضرت و از مخلصان و منتظران و زمینه سازان حکومتش و از حامیان ولایت فقیه قراربده.

۱۹۱) وسائل، ج ۲۷، ص ۱۴۰.

## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.


آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹